

با تمام توان خود از نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی دفاع میکنیم



کارگران و زحمتکشان متحد شوید

سه شنبه ۱۷ تیر ۱۳۵۹

۸ صفحه - قیمت ۲۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم شماره ۶۶

چرا توده‌ها از راهپیمائی روز جمعه استقبال نکردند

در روزهای اخیر مملات گسترده هیئت حاکمه به نیروهای انقلابی و تلاش دریا نحراف کشا بستن مبارزه‌ها در برابر امپریالیستی دمکراتیک بوده‌ها می‌شود. ایجاد تازره‌ای با فتنه هیئت حاکمه که از حل بحران اقتصادی و سیاسی موجوده جز مانده است و هر روز شاهد ناظر رشد روزافزون ناراضی‌توده‌ها و نیرومندتر شدن سازمانهای انقلابیست تلاشهای گسترده ای را علیه نیروهای انقلابی آغاز کرده است و می‌کوشد تا آنها را مسئول وضعیت نابسامان زندگی‌توده‌ها معرفی کند. بقیه در صفحه ۲

پاکسازی عناصر وابسته به رژیم گذشته یا تصفیه نیروهای انقلابی

و خاست بحران سیاسی و اقتصادی و ناتوانی دولت در رفع آن از یکسو و رشد جنبش توده‌ای، گسترش سازمانهای انقلابی و مبارزات سوسی دیگر، حاکمیت را به تشدید هجوم علیه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها برانگیخته است. اینک در ادامه چنین خط سیری، هیات حاکمه، تحت پوشش سیاست بظواهر انقلابی "پاکسازی ادارات"، بیش و پیش از آنکه عوامل مزدور امپریالیسم و عناصر وابسته به رژیم گذشته را هدف حملات خود قرار داده باشد، کارمندان جزء و انقلابی و سازمانهای دموکراتیک توده‌ها یعنی شوراهای واقعی آنان را آماج اصلی تهاجم خود قرار داده است. نگاهی به واقعات عینی و آنچه که در ادارات تحت عنوان "پاکسازی" می‌گذرد، صحت این گفته را اثبات می‌رساند. حاکمیت کنونی، که با قیام توده‌ای و سرنگونی رژیم سلطنت، دستگاه پوسیده دولتی آن یعنی وزارتخانه‌ها و ارتش را تصرف نموده، در طول حیات خود همواره سعی کرده است با اصلاحات کمتری به تجدید سازمان و ترمیم همان دستگاه کهنه دولتی بپردازد. این حکومت اکنون که رشد آگاهی توده‌ها و سمت گیری روزافزون آنان بسوی سازمانهای انقلابی و دموکرات را می‌بیند، تلاشهای خود را در همه زمینه‌ها، یکی بعد از دیگری، برای جلوگیری از ادامه چنین روندی بکار میبرد. بنابراین مضمون و مشخصه اصلی این سیاست عبارت از آنست که با وعده و وعیدها و انجام اصلاحات جزئی، توده‌ها را فریب داده و با تبلیغات سراپادروغ، و مغشوش نمودن افکار عمومی به سرکوب نیروهای انقلابی و مترقی دست یازد. کشتن دانشجویان انقلابی، تحت عنوان آغاز "انقلاب فرهنگی" در دانشگاهها با همین هدف صورت گرفت. سیاست "پاکسازی ادارات"، در حقیقت ادامه سیاست "انقلاب فرهنگی" در دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور می‌باشد. اگر در آنجا این سیاست اغواگرانه از طریق توسل به قهر ضد انقلابی و سرکوب خونین جنبش دانشجویان انقلابی به اجرا درآید، بقیه در صفحه ۲

با شیوه‌های قرون وسطائی، نمیتوان نارسائی‌های اجتماعی را از بین برد!

● پنجشنبه گذشته، در کرمان به حکم دادگاه انقلاب اسلامی این شهر، ۲ نفر صفحه ۸

بجرم فحشا و فساد اخلاقی "سگسار" شدند!

انحلال آموزش و پرورش کردستان و مبارزات خلق کرد

● مدارس کردستان با توجه به نقش پر اهمیت معلمین و محصلین رزمنده و مبارز یکی از پایگاههای مبارزه و مقاومت خلق کرد محسوب میگردد. صفحه ۸

در این شماره:

سازمانهای انقلابی توده‌ای (۱) صفحه ۳

قطعه نامه پزشکان حین تخصص تهران در اعتراض به اعدام دکتر نوری‌مسا صفحه ۴

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۲) صفحه ۵

شمیران نوجلوه‌ای از فقر و محرومیت صفحه ۷

در پاسخ به مقاله مندرج در شماره ۶۳ ارگان سراسری کمیته مرکزی

"پیشداوری‌های ما یا تسلیم طلبی‌های شما؟"

تابود باد امپریالیسم جهانی بزرگدگی امپریالیسم امریکائی و پایگاه داخلی

پاکسازی عناصر ..

بقیه از صفحه ۱

در اینجا با استفاده از وضعیت حاکم بر ادارات و از طریق تصفیه ، اخراج و بازنشسته کردن کارمندان انقلابی صورت می پذیرد . توده ها و بخصوص کارمندان جزء و مبارز فراموش نمی کنند که "سورای انقلاب" در همین چند ماه پیش و بدنبال صدور حکم عفو عمومی زندانیان "وابسته به رژیم گذشته" که اکثریت وسیعی از مزدوران رژیم شاه را در بر می گرفت ، در مصوبه های بازگرداندن و ایفاء این عوامل را در رسته های اداری شان تضمین نمود ، و در مقابل با اخراج و حتی بازداشت کارمندان مبارز ، که به افشاکاری از هیات حاکمه و مقابله با اقدامات ضد انقلابی مدیران کل می پرداختند ، دست زد . محتوای عمده سیاست "پاکسازی ادارات" در دستگاه دولت ، نه در واقع آنطور که هیات حاکمه مدعی است ، پاکسازی عناصر وابسته به رژیم گذشته و از بین بردن "کاغذبازی اداری" و ضوابط و آیین نامه های دست و پاگیر و "فساد" ، بلکه ، جلوگیری از رشد جنبش اعتراضی کارمندان جزء ، سد کردن راه گسترش آگاهی سیاسی و طرح مطالبات دموکراتیک آنان و از بین بردن زمینه های ارتباطی شان با سازمانهای انقلابی و مبارز است . این نوع پاکسازی بیشتر منوجه کارمندان جزء و انقلابی است ، تا وابستگان به رژیم گذشته . بخاطر تحقق این هدف نحوه انتخاب کمیته های پاکسازی برای پیشبرد این سیاست نه بطور دموکراتیک و متکی بر آراء کارمندان جزء و انقلابی بلکه بطور فرمایشی و از بالا صورت می گیرد . بنا بر این در اکثر موارد "کمیته های پاکسازی" نسه بنفع توده های کارمند بلکه علیه آنان اقدام می کنند . بهمین سبب هواداران "فدائیان خلق" و "مجاهدین خلق" و سایر نیروهای مبارز ، در ادارات ، شناسائی شده و زیر فشار شدیدی قرار داشته و اخراج و تصفیه میشوند .

سیاست قطبهای اصلی هیات حاکمه یعنی لیبرالها بر هبیری بنی صدر و اردو دسته سران حزب جمهوری اسلامی ، در این زمینه نیز ماهیت یکسانی برخوردار است . هر دو جریان هدف واحدی را دنبال می کنند : فریب توده ها از طریق انجام اصلاحات جزئی و دادن امتیازات ناچیز و سرکوب نیروهای انقلابی و جنبش اعتراضی توده ها . آنان بر سر این اصل "میثاق وحدت" بسته اند . اما در عین حال بر سر شیوه ها و تاکتیکهایی که این سیاست را عملی میکند ، اختلافات فراوانی در بین این دو جناح بروز می کند . تجربه یکسال و نیم گذشته و بررسی اختلافات آنان بر سر حل مسائل سیاسی گوناگون ، موید صحت این نظریه است .

به اعتقاد ما ، تعمیم و گسترش سرکوب نیروهای انقلابی در محدوده کنونی باقی نمی ماند ، این سیاست در ادامه خود به گسترش هر چه بیشتر و متمرکز تر در تمامی شئون اجتماعی منجر خواهد شد . آری حکومتی که بر پشتیبانی آگاهانه توده ها متکی نبوده ، حکومتی که بر هبیری لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی بر علیه توده ها دست به فریب و سرکوب می زند ، سیاستی جز این هم نمی تواند داشته باشد .

تحت چنین شرایطی وظیفه نیروهای انقلابی ، مبارز و مترقی و بویژه کارمندان آگاه است که سیاستهای هیات حاکمه را در باره "پاکسازی ادارات" و "بازنشسته کردن کارمندان اضافی" افشاکند . آنها و بویژه نیروهای هوادار جنبش کمونیستی ایران باید توده ها بطور اعم و کارمندان ناآگاه ادارات بطور اخص نشان دهند که هدف اصلی این سیاست چیزی جز اخراج و تصفیه نیروها و عناصر انقلابی و مترقی ادارات نیست . توده ها باید بدانند که نابودی بوروکراسی و کاغذبازی اداری ، رشوه خواری و بطور کلی فساد اداری ، بدون درهم شکستن کل دستگاه دولتی (ارتش و ادارات) ممکن نیست . بدون درهم شکستن ماشین کهنه دولتی ، دگرگونی اساسی در دستگاه دولتی ایجاد نمی گردد . قدرتهای اصلی حاکم یعنی لیبرالها بر هبیری رئیس جمهور و سران حزب جمهوری اسلامی نیز بنا به ماهیت طبقاتی خود نه تنها خواهان دگرگونی اساسی در آن نیستند بلکه خود به تحکیم بیش از پیش آن می پردازند . آنها تنها در شرایط بحران سیاسی و اوج گیری جنبش توده های حاضر به پذیرش برخی اصلاحات ناچیزی باشند .

گسترش موج نهادهای جدید علیه آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده ها از یکسو گسترش اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و بویژه کمونیستها از سوی میسازد ولی از سوی دیگر ضعف و پراکندگی

چرا توده ها از راهپیمائی ...

بقیه از صفحه ۱

کنندگان قطعنامه ۱۴ ماده ای حتی یک ماده علیه امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا را در قطعنامه خود نگنجانده بودند ، ولی در عوض همه جا به نیروهای انقلابی حمله شده بود . پاسخ ایمن بسیار روشن است . تنظیم کنندگان قطعنامه از منافع سرمایه داران دفاع می کنند و حمله آنها به نیروهای انقلابی از موضع دفاع از سرمایه داران است .

حزب جمهوری اسلامی که عوام فریبانه میگوید خود را ضد امپریالیست معرفی کند با تنظیم این قطعنامه مشت خود را با ز کرد و ما هیت بورژوازی و ضد انقلابی خود را نشان داد . قطعنامه روز جمعه علیه نیروهای انقلابی سند محکومیت هیئت حاکمه بود .

آنچه در کنار این تلاشهای ضد انقلابی سران جمهوری اسلامی و دیگر جناحهای حاکم توجه نیروهای انقلابی را به خود معطوف کرد ، شرکت حزب توده در راهپیمائی برای محکوم نمودن نیروهای انقلابی بود . حزب توده که با افتخار در این راهپیمائی شرکت کرده بود ، یکبار دیگر دشمنی خود را نسبت به نیروهای انقلابی نشان داد .

حزب توده در اطلاعیه ای که روز قبل از راهپیمائی پخش کرد ، دست به فریبکاری آشکار زد و چنین وانمود کرد که گویا راهپیمائی فردا علیه امپریالیسم و "جرثومه های فساد" وابسته بدان است . حزب توده نیز همانند هیئت حاکمه سعی می کند ، فدائیان خلق و مجاهدین خلق را عوامل فقر ، جنگ سیه روزی و بطور کلی نارضائی عمومی توده ها جلوه دهد .

اما نه عوام فریبی حزب توده و نه تلاشهای مذبحانه هیئت حاکمه علیه سازمانهای انقلابی هیچیک نمی تواند مانع آگاهی توده ها و مبارزه آنها بخاطر تحقق خواسته های بحقشان گردد .

عدم استقبال توده های مردم از ایمن راهپیمائی نشان داد که توده های مردم بیعت تحقق نیافتن خواسته های واقعی شان ، بطور روزافزونی اعتماد خود را نسبت به هیئت حاکمه از دست می دهند . ایمن مسئله نشان داد که توده های مردم نه برای وعده و وعید ، نه برای حرفهای پوچ بلکه بمنظور زندگی بهتر ، نابودی سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و بدست آوردن کار ، مسکن و آزادی ، رژیم شاه را سرنگون کردند .

شعارهایی که در دانشگاه تهران علیه نیروهای انقلابی داده میشود قطعنامه ای که بعوض حمله به امپریالیسم نیروهای انقلابی را هدف قرار داده بود و خواستار غیرقانونی شدن سازمان چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق شده بود ، یکبار دیگر ماهیت واقعی گردانندگان ایمن راهپیمائی یعنی سران حزب جمهوری اسلامی را برای توده ها فاش ساخت .

حزب جمهوری اسلامی که تا کنون توطئه هاییش علیه سازمانهای انقلابی با شکست روبرو شده است ، یکبار دیگر کوشید برنامه طرح ریزی شده خود را در جهت سرکوب و فشار بر سازمانهای انقلابی بمرحله عمل درآورد . با برگزاری راهپیمائی روز جمعه توده ها بیش از پیش دریا فتند که هدف اصلی هیئت حاکمه نه مبارزه علیه امپریالیسم بلکه مبارزه علیه نیروهای ضد امپریالیست و نه تحقق دموکراسی بلکه نابودی آنست .

براستی هر انسان اندک آگاهی از خود می پرسد ، چرا تنظیم

راهپیمائی روز جمعه ۱۳ تیر ماه ، قبل از هر چیز بمنظور برانگیختن توده های ناآگاه علیه سازمان های مترقی و انقلابی بود . هیئت حاکمه تلاش می کند تا سازمانها و نیروهای انقلابی را مسئول نابسامانی اقتصادی موجود و شرایط زندگی رقت بار توده ها معرفی کند .

هیئت حاکمه اکنون می کوشد با تبلیغات کثیف و مسموم کننده خود علیه رزمندگان سازمانهای سیاسی که در زیر سلطه سیاه ترین و خستناک ترین دیکتاتوری دست به نبردی دلیرانه و قهرمانانه علیه امپریالیسم ورژیم وابسته بان زدند ، آنها را عوامل وابسته به امپریالیسم و ضد انقلاب معرفی کند ، تا بدین طریق توده های زحمتکش را از مبارزه علیه امپریالیسم و پیایگاه داخلی آن منحرف نموده و بمبارزه علیه نیروهای انقلابی بگنجد .

این سیاست که تنها در خدمت امپریالیسم قرار می گیرد بیش از پیش ماهیت نیروهای حاکم را برای توده ها آشکار می سازد . زیرا توده ها در زندگی روزمره و تجربه شخصی خود پی می برند که کدام نیروها واقعا "ضد امپریالیست" و علیه سرمایه داران و زمینداران هستند و کدام نیروها با توسل به شعارهای توخالی عملاً در جهت تحکیم سلطه بورژوازی وابسته گام بر میدارند .

عدم استقبال توده ها از دعوت به راهپیمائی روز جمعه گذشته و تعداد قلیل شرکت کنندگان در آن و مضمون قطعنامه ای که در پایان ایمن راهپیمائی در دانشگاه تهران قرائت شد ، بسیاری از واقعیتها را برملا کرد .

این نیروها خطر قدرت گیری نیروهای لیبرال و نیز باندهای مزدور امپریالیسم را در بردارد . وظیفه تمامی نیروهای انقلابی است که با هوشیاری ضمن مبارزه و مقاومت علیه سیاستهای هیات حاکمه ، ماهیت باندهای مزدوری نظیر باند بختیار ، اویسی را بر ملا کرده و حیل گیری لیبرالها و ماهیت بورژوازی و ضد انقلابی ، و آزادی خواهی فلابی آنان را بطور قاطع و روشن افشاء نمایند .



اخبار کارگری

اتحاد عمل

حزب جمهوری و بنی صدر بر علیه شوراها

این روزها درگیری بین نمایندگان آگاه و پیشرو کارخانه‌ها با مدیریت کارخانه و نیز گردانندگان انجمنهای اسلامی که زائده‌های حزب جمهوری اسلامی در کارخانجات است شدت جریان دارد. نمونه‌های متعدد حاکی از آنها جسم وسیع و همه‌جانبه و چشمگیر جناح‌های مختلف حاکمیت، (هر کدام بشیوه خود) به این نمایندگان است. روش جناح بنی صدر عمدتاً با آنها جسم از طریق مدیران منتصب وزارت صنایع و معادن است و روش حزب جمهوری اسلامی استفاده از زوائد خود در کارخانجات است. این زوائد که با نسام انجمنها و کارخانه‌های اسلامی فعالیت میکنند با وارد آوردن آنها مات بی اساس و پاپوش‌سازي آنها هم علیه نمایندگان بشروا سازمان میدهند. رزبیربه چند نمونه شاره میشود:

جامکو

بدنبال کشمکش‌هایی که بین مدیریت و نماینده مبارز شورا بین کارخانه در مورد پاکسازی وجود می‌آید، مدیریت موفق میشود رئیس شورا را زیر نفوذ خود درآورد. نمایندگان سبازیا بررسی پرونده‌های مدیران دولتی و طرح آن در شورا موفق شده بودند. چند نفر از وابستگان نیامی (ما حب سابق کارخانه وسها مدار ملی ایران ناسیونال) اخراج کنند (۵۹/۴/۱۰) وابستگان خیامی با تفاق شیس شورا بوزارت صنایع معادن مراجعه میکنند علیه نمایندگان به پرونده سازی می‌پردازند آنها را متهم میکنند که رکار تولید اخلال میکنند برای تعطیل کارخانه موطئه چینی می‌نمایند. ستاندکاران وزارت صنایع و معادن پس از کمیل پرونده علاوه بر هویب اخراج یکی از این نمایندگان حکم جلب او نیز صادر میکنند.

نماینده با اطلاع از توطئه مدیران وزارت صنایع و معادن راه مقابله را در آنگاه توده کارگران دانسته و میکوشد با برگزاری جلسه مجمع عمومی و طرح مساله برای کارگران، توطئه را خنثی کند.

ارج

در پی نطق آیت الله خمینی جناح مرتجع و ضدکارگر شورا ایمن کارخانه میکوشد تا انجمن اسلامی در کارخانه تشکیل بدهد و از این طریق جناح نسبتاً مترقی شورا را بیش از این زیر فشار قرار دهد. قابل توجه آنکه طرفداران حزب جمهوری اسلامی قبلاً نیز کوشیده بودند در این کارخانه، انجمن را برپا کنند اما موفق نشده بودند.

ناسیسات تهران (شاه پسند سابق) و پاکسان

در اثر فشار کارگران برای برگزاری انتخابات شورا و علی‌رغم تلاش نمایندگان شورا قبلی (که در انجمن اسلامی متشکل هستند) که می‌خواستند برای همان شورای قبلی رای اعتماد بگیرند، شورای کارخانه اعلامیه‌ای صادر کرد و روز چهاردهم تیرماه را روز برگزاری انتخابات شورا اعلام نمود. در این روز موراداری کارخانه اعلام نمود که سرویسهای ساعت ۲ کارخانه حرکت نخواهند کرد تا کارگران بتوانند در انتخابات شرکت کنند. ساعت دو و ۲۰ نفر از کارگران ناسیسات در دستوران جمع شدند تا در انتخابات شرکت نمایند. لیکن عده‌ای از کارگران ناآگاه شرکت پاکسان که به احتمال زیاد قبلاً به وسیله "باند عقرب" (گروه فشاری که در انجمن اسلامی کارخانه تشکیل یافته است) تحریک شده بودند، با دادن شعار علیه گروههای انقلابی و مترقی سرویس‌ها را به

سازمانهای انقلابی توده‌ای (۱)

ایدئولوژی یا سیاست؟

آن دیگری نمیشود. آن درک انحرافی که گفتیم، آن جا بروز میکند که سازمان سیاسی سعی نکند سیاست خود را از طریق اعضا و هواداران خود (یعنی هسته‌های سرخ) در آن سندیکا پیش ببرد و عملاً "رهبری سندیکارا بدست بگیرد، بلکه سعی کند با اتکا به نام و سابقه و سابقه حیثیت خود رهبری سندیکارا "قبضه" کند و درست در همین جا است که دیگر آن سازمان، سازمان توده‌ها و سازمانی "وسیع" متشکل از همه عناصر و افراد یک قشر یا حرفه نمی‌شود و عملاً "بصورت سازمان روشنفکران، و بهتراست بگوئیم محفلاً محدود پیشروان درمی‌آید.

در حال حاضر در جنبش کارگری ایران از این نمونه‌ها بسیار است. پرولتاریای جهانی هم مدتهاست این مسائل را تجربه کرده‌است و ولین آموزگار کبیر کارگران در این مورد گفته‌است:

"این بهیچوجه بی‌فایده نیست که خواستار آن شویم که اعضای اتحادیه‌های "صنفي" فقط سوسیال دمکرات باشند این امر دایره نفوذ و تاثیر ما را در توده محدود خواهد ساخت بگذار هر کارگری که به لزوم اتحاد برای مبارزه علیه کارفرمایان و حکومت پی می‌برد در اتحادیه صنفي شرکت نماید... اگر اتحادیه‌های صنفي همه‌کسانی را که فهم آنها ولو فقط تا این درجه ابتدائی رسیده باشد، متحد نمیساختند، اگر این اتحادیه‌های صنفي سازمانهای وسیع نبودند، آنوقت خود هدف اتحادیه‌های صنفي هم غیر قابل حصول میشد. هر قدر که این سازمان‌ها وسیع‌تر باشند، همانقدر نفوذ و تاثیر ما نیز در آنها وسیع‌تر میگردد."

مدتهاست که جنبش کمونیستی ایران از انحرافی جدی و اساسی رنج می‌برد. این انحراف از سازمان انقلابی توده‌ی برداشتی نادرست دارد و آنرا همان سازمان هواداری یک سازمان سیاسی مشخص می‌شناسد. این انحراف ریشه در فعال بودن خرده‌بورژوازی - بخصوص روشنفکران - بیش از افسار و طبقات دیگر جامعه دارد. این انحراف در حقیقت همان کم بهادادن بتوده‌هاست، که خود را در لاف "سازمان توده‌ی پویاننده‌است، زیرا آنها معدودی از افراد حرفه‌ی حرفه متشکل شده در یک سازمان توده‌ی مربوط به خود، دارای آن میزان آگاهی هستند که بتوانند هواداری یک جریان سیاسی باشند معدودی از این افراد نیز میتوانند (با توجه بکلیه شرایط) درک علمی و طبقاتی داشته باشند اما اکثریت افراد آن قشر یا حرفه برای تامین منافع صنفی - سیاسی خود در یک سازمان توده‌ی گرد می‌آیند.

اگر بخواهیم مسئله را دقیقتر گفته باشیم بایستی اضافه کنیم که سازمانهای توده‌ی دارای ایدئولوژی نیستند بلکه برنامه‌ی خاصی (اساساً نامشور) دارند که همه (توجه کنید همه) اعضا برای پی بردن و سازمان برای اجرا در آوردن آن فعالیت می‌کند. بعنوان مثال "سندیکای فلزکاران،" را در نظر بگیرید. در این سازمان توده‌ی کلیه فلزکاران (جوشکار، تراشکار، سوهان‌کار، ریخته‌گرو غیره) دور هم جمع میشوند تا مثلاً "منافع اقتصادی و رفاهی و غیره خود را که در اساسنامه سندیکا گنجانیده شده است، تامین کنند. مسلماً چنین سندیکائی میکوشد همه فلزکاران را در خود جمع کند و بهیچوجه فقط شامل طرفداران این سازمان سیاسی یا

اعلامیه زیرا از طرف کارگران کارخانه "ساکا" (نساجی)، در دفاع از نماینده محبوب و مبارزانشان که با توطئه دستگیر شده است پخش گردیده است



بسمه تعالی

از مبارزات حق طلبانه کارگران ساکا حمایت کنید. برادران و خواهران کارگر: مردم مسلمان تهران مدت سه هفته است که از دستگیری برادرمان احمد رضا کریمی حصار نماینده کارگران و دبیر سندیکای ساکا میگردد، در طول این مدت ما کارگران بارها از طریق نامه، طومار و اجتماع در جلوی دادستانی کل انقلاب خواست‌های خود را با اطلاع مقامات رساندیم اما متأسفانه بعد از گذشت چند هفته هنوز هیچ مرجع و مقامی به کار ما رسیدگی نکرده و حتی میخواهند کارخانه را تحت بهانه تعطیل تابستانی بخوابانند. تا اتحاد و مقاومت کارگران را درهم شکسته و کارگران را از راه درستی که در پیش گرفته‌اند بازدارند.

ما کارگران ساکا از برادران کارگر خود و مردم مبارز تهران می‌خواهیم که از خواست‌های برحق کارگران کارخانه ساکا پشتیبانی کنند.

حرکت درآوردند. در نتیجه چون تعداد کارگران به حدی که لازم نرسیدند انتخابات رسمیت نیافت بهمین دلیل طبق اساس نامه شورای کارخانه انتخابات مجدد ۱۵ روز بعد انجام خواهد شد. قابل توجه آنکه در این دور از انتخابات کارگران پیشرو و انقلابی در انتخابات شرکت کردند و کاندیدای نمایندگی شورا شدند.

کفش ملی

گردانندگان انجمن اسلامی یکی از کارخانجات کفش، علی‌رغم تضادها و درگیری‌هایش با مدیریت کارخانه بآن نزدیک شده‌است و مشترکاً میکوشند مرتضی‌به و پاکسازی عنا صر رژیم سابق را (که مورد تقاضای توده کارگران است) به تصفیه عناصر مترقی و انقلابی تبدیل کنند. در این رابطه است که انجمن اسلامی اعلامیه‌ای با محتوای شتابانسی گروههای ضد انقلابی جلوگیری از پخش اعلامیه

سمینار بررسی مسئله تبعیض

بدعوت شورای کارخانه جامکو، سمیناری بمنظور بررسی مسائل کارگری در کارخانه لیاند موتورز برگزار شد. از جمله مسائلی که در این جلسه مورد بررسی قرار گرفت تبعیضات بین کارگران (دستمزدها و غیره) بود. شورا طرحی در رابطه با از بین بردن پایه و گروه و تعیین حق سنوات، به جای آن، بمنظور کم کردن شکاف بین دستمزدها ارائه داد و از کلیه کارگران شرکت کننده خواست که نظرات خود را در این مورد ارائه دهند تا بتوانند طرحی کلی تهیه کنند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مبارزات کارگران موقتا...

بقیه از صفحه ۶

های نیتینگ، کلاچ، ایران دو چرخ، کنسورسای، شیشه قزوین، نازخ در شهر قزوین و مبارزات کارگران زامیاد، بل، لندرو، جنرال موتورز، مینودرتهران، فولاد اهورا و ...

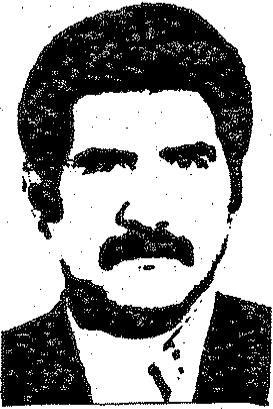
مقامت قهرمانانه خلق کرد و توانایی دولت در سرکوب آن و بروز اولین نشانه های شکست، ناتوانی در ادامه تهاجم فاشیستی به حقوق و آزادیهای دمکراتیک، بعثت شدید تضادهای درون حاکمیت و رشد لیبرال ها، موجب اوج گیری باز هم بیشتر مبارزات کارگران بخصوص در مهر ماه گردید. مثلا در کارخانه "ساکا" که مبارزات کارگران همواره تحت رهبری "سندیکی" سرخ کارخانه ادامه داشت، در این مقطع بصورتی چشمگیر جلوه کرد. بدین ترتیب که کارگران بخاطر دریافت حقوق با هیئت مدیره اعزامی درگیر شدند و خواستار اخراج چهار نفر از مدیران کارخانه شدند. سپاه پاسداران و کمیته جی ها وارد کارخانه شده، نماینده محبوب کارگران را دستگیر کردند. کارگران خشمگین از این اقدام کمیته جی ها همراه خانواده شان در همانجا متحصن شدند و با فشاری نما بیننده خود را از کمیته تحویل گرفته و او را تا کارخانه بر روی دست حمل کردند.

نمونه دیگر آنکه در کارخانه مینوکه چند صبحی خسرو شاهی در آن به تاخت و تاز پرداخته بود، مجددا شورا به پشتوانه حمایت توده های فعال شد و با شعار "هیئت مدیره زیر نظر شورا شورا تحت نظر کارگران عملا رودر روی هیئت مدیره منتخب و دولت ایستاد. با اینهمه نکته ای که نباید آنرا از نظر دور داشت این است که هنوز اکثریت بالای کارگران ذهنیت پرولتری ندارند و تحت تاثیر شعار رهسوار رهنمودهای نمایندگان خرده بورژوازی سازش کرده قرار دارند.

آنچه مسلم است این است که قیام حتی خواستهای ابتدائی و اقتصادی کارگران راهم بر آورده نساخته است و اگرچه کارگران هنوز چندان بدان آگاهی نیافته اند اما غریزه طبقاتی آنها در ایجاد نجات میکشاند که رودر روی حاکمیت سیاسی بایستند منتها زانجا که هنوز

قطعنامه پزشکان (حین تخصص) تهران

در اعتراض به اعدام دکتر "نریمسا"



- همکاران فدائی شهید، دکتر اسماعیل نریمسا خواهان معرفی و محاکمه و مجازات مسیبین این جنایت هستند
- پزشکان حین تخصص در قطعنامه خود گفته اند حاضریم مدارک و دلایل بیگناهی دکتر نریمسا را به پیشگاه ملت ایران ارائه کنیم

- ۱- محاکمه مخفی و اعدام این پزشک فدائیکار غیرمخفی خواست اکثر پزشکان حین تخصص ایران مبنی بر محاکمه علنی و امکان حضور مدافع و ارائه مدارک لازم، از نظر ما شدیداً "محکوم است".
- ۲- ما خواهان معرفی و محاکمه مجازات مسیبین مفروض این توطئه و جنایت فجیع در پیشگاه ملت ایران می باشیم.
- ۳- ما خواهان ارائه پرونده دکتر اسماعیل نریمسا به وکیل منتخب پزشکان حین تخصص و بررسی مجدد آن هستیم.
- ۴- ما حاضر به ارائه مدارک موجود در بیگناهی دکتر اسماعیل نریمسا به رسانه های گروهی جهت آگاهی ملت شریف ایران می باشیم.
- ۵- به پاس احترام به بیماران دردمند و مستضعفی که دکتر نریمسا نیز جان خود را در راه خدمت به آنان فدا کرده و احترام به حرفه مقدس پزشکی فعلا از اعتصاب نامحدود خودداری کرده با قلبی آکنده از اندوه به کار خود ادامه میدهیم.
- ۶- بعنوان اعتراض شدید و ابراز تنفر از این جنایت در هفتمین شب شهادت ... در روز چهارشنبه ۱۱/۴/۵۹ دست از کار کشیده و فقط به مداوای بیماران اورژانس خواهیم پرداخت.
- ۷- بار دیگر ملت شریف ایران را به قضاوت میخوانیم و پشتیبانی آنها را جهت افشای عاملین این جنایت هولناک خواهانیم.
- ۸- در خاتمه اعلام میداریم که در صورت عدم رسیدگی به خواستهای فوق مسئولیت عواقب بعدی بر عهده مقامات مملکتی خواهد بود.

بدینال اعدام دکتر "اسماعیل نریمسا" موج اعتراض آمیزی که با دستگیری او بین پزشکان و پرستاران ایجاد شده بود بالا گرفت. پزشکان حین تخصص بیمارستانهای تهران، با دستگیری دکتر نریمسا برای او وکیل تعیین کرده و در صد ارائه مدارکی مبنی بر بیگناهی او به دادگاه بودند، آنها همچنین خواهی از آن بودند که دکتر نریمسا در دادگاه علنی محاکمه شود ولی قبل از اینکه این اقدامات به نتیجه ای برسد خبر اعدام پزشک مزبور اعلام شد.

صبح روز یکشنبه هشتم تیر ماه پزشکان حین تخصص بیمارستانهای تهران در اعتراض به اعدام این پزشک جلسهای در بیمارستان کودکان مفید تشکیل دادند. در این جلسه با احترام دکتر نریمسا یک دقیقه سکوت اعلام شد و بعد درباره زندگی مبارزاتی و مبارزات ضد رژیم شاهنشاهی او به اختصار صحبت شد، قسمتی از مدارک کتبی و شهادت شهود عینی، مبتنی بر بیگناهی پزشک شهید نیز در این جلسه ارائه شد.

شرکت کنندگان در این جلسه در پایان قطعنامه ای را به تصویب رساندند که متن آن را در زیر میخوانید:

در مدت دو ماه بازداشت غیرقانونی دکتر نریمسا با کلیه مقامات مسئول مملکتی تماس گرفته شد و مدارک موجود به مشاور قضائی رئیس جمهور تسلیم شد و با وجودیکه از طریق دفتر ریاست جمهوری از دادستان انقلاب اهواز جهت تسلیم مدارک کتبی وقت گرفته شد بود که در تاریخ ۸/۴/۵۹ نمایندگان کانون دستیاران تهران در اهواز باشند متأسفانه روز جمعه ۶/۴/۵۹ - دکتر اسماعیل نریمسا این پزشک مردی به جوخه اعدام سپرده شد ما پزشکان حین تخصص بیمارستانهای آموزشی تهران ضمن ابراز انزجار و اعتراض به اعدام غیر انسانی این پزشک خدمتگذار به پیشگاه ملت مبارز ایران و جامعه پزشکان کشور و خانواده آن شهید تسلیم عرض نموده و اعلام میداریم:

دستیاران (پزشکان حین تخصص) بیمارستانهای آموزشی تهران

۱۳۵۹/۴/۸

کمکهای مالی دریافت شده		ش	
الف	ب	ج	د
۵۳۰	۸۱۱۱	۸۰۲۲۲	۵۴۵۶
۱۰۶۵۹	۳۶۱۱	۳۱۱۱	۲۴۶۰
۳۶۱۱	۵۲۱۴	۵۰۲۶	۵۲۲
۵۲۶۴	۱۲۶۱	۵۱۲۳	۲۱۰۰
۲۳۲۲	۲۰۲۲۲	۱۵۶۵۲	۳۲۲۰
		۱۲۸۱	
		۲۰۳۱۱	
		۱۰۰۰۱	
		۱۰۲۹۱	

نبرد خلق

ارگنان

تئوریک-سیاسی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مشترک میشود

سرکوبگران خلق کُرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

بررسی مختصر جنبش کارگری در دو سال گذشته (۴)

مبارزات کارگران موقتاً افت می کند

مبارزه جویسی کارگران در جهت تحقق این شعار، که در آن مقطع (تا اواخر بهار ۵۸) و بعثت تسلط ذهنیت برده بورژوازی و اعتماد ناآگاهانه به حاکمیت عمدتاً "بشکل تحمینی" آن چنان ابعاد گسترده و وسیعی داشت که رهبری انقلاب و دولت منتخب او را واداشت که چپ و راست به معترضین و متخصمین و اعتصاب کنندگان هشدار بدهد که دست از این اعمال "فدائیلایی" (۱) بردارد و براه انقلاب اسلامی باز گردند اما پس از آنکه این تلاش های دولت و بهره برداری از ذهنیت کارگران برای تحمیل و آرام سازی آنان و ترغیب ایشان به عدم تعقیب ابتدائی ترین خواسته های خود، ناموفق ماند، دولت عقب نشست و راه دیگر را در پیش گرفت و تن به فرم پیشنهادی فروهر وزیر کار داد و علیرغم "مساوات طلبی" توده کارگران که برابری حقوق پایه را با کارمندان می طلبیدند، پایه حقوقی را از ۲۱۷ ریال به ۵۶۷ ریال بالا برد (در حالیکه حداقل حقوق کارمندان ۲۵۰۰۰ ریال تعیین شد). خواست سیاسی اکثریت کارگران تصفیه و پاک سازی واحدها از مزدوران و سرسپردگان رژیم سابق بود، آنها اجرای این خواست را مرتباً "وکرراً" از حاکمیت سیاسی میخواستند.

عدم اجرای این خواست، همراه با دیگر خواسته های طبقه کارگر در آن فضای بحران زده با حاکمیت چندپاره سیاسی در بسیاری از واحدها کارگران را بسوی اقدام مستقیم و اجرای انقلابی خواسته هایشان کشانید و خود را بصورت حمایت از شوراها و تمایل به ایجاد

آن نشان داد، شاید آن حد که نطق آقای بازگان در اسفند ماه ۵۷ توضیح داد: "میخواهند ما صاحب خانه باشند، همه کاره باشند، تکلیف مدیریت کارخانه و همه چیز را معین کنند و یار رئیس اداره را آنها انتخاب کنند و امثالهم" و آقای فروهر وزیر کار دولت منتخب امام در خرداد ۵۸ قانون نیروی ویژه تنظیم روابط کار و امور اجتماعی را بتصویب رسانید تا این نیرو که از "ما بطنین دادگستری" تشکیل خواهد شد امر "ممانعت از دخالت افراطی و سازمانهای غیر مسئول در امور کارگاهها و اجرای دستور مقامات صلاحیت دار، در ایجاد نظم و جلوگیری از مداخله کمیته های اعتصاب یا شوراها و مدیریت و نظایر آن" را اجرا در آورد (پایه ۲ تصویب نامه).

اما علیرغم همه این تلاش ها (رفسرم و سرکوب و بهره برداری از اعتماد ناآگاهانه توده ها بحاکمیت و مداخله خیمینی) شعار "شوراها" هر روز ابعاد گسترده تری بخود گرفت و امر نظارت و کنترل بر کارخانجات دولتی سابق یا اخیراً دولتی شده و تصفیه و پاک سازی توسط شورای کارکنان هر روز بیشتر و بیشتر میشد. از دیگر خصوصیات آنست که جنبش کارگران در این دوره داشت اوج گیری مبارزات بیکاران در ماه های اول بعد از

قیام بود. تعطیل کارخانجات (بدلیل فرار سرمایه داران، کمبود مواد اولیه، کارشکنی مدیران و عوامل سرسپرده سرمایه داران و غیره) و نیز خوابیدن یا خوابانیدن بسیاری از طرح های عمرانی گذشته و رکودخانه سازی همه و همه موجب آن شده بود که بیکاری، این بیماری مزمن نظام سرمایه داری، ابعاد وسیع و نگران کننده بیابد و کارگران بیکار و دیگر بیکاران زندگی سخت و پرمشقتی را بگذرانند همین امر موجب آن شد که بخش قابل توجهی از حرکات اعتراضی طبقه کارگر در بیرون از کارخانه (راه پیمایی، تظاهرات) تحمیل در ادارات دولتی (و غیره) باین بخش از طبقه کارگر اختصاص یابد. خاستگاه طبقاتی عمدتاً خرده بورژوازی و دهقانی شرایط سخت زندگی، نبود تامین مالی و ناامیدی نسبت بآینده، موجب آن شد که این بخش سرعت و در پی تجربیات مکرر مراجعه به ادارات و مقامات و حتی رهبران از حاکمیت مایوس شوند و دست بحرکاتی تند که توسط روشنفکران تقویت میشد بزنند.

سرکوب خشن و وحشیانه کارگران بیکار و دیگر بیکاران نیز هرگز نتوانست حرکات اعتراضی آنها را فرو نشاند. خواست اکثر این بیکاران را می توان در شعارهای "ایجاد کار" و "پرداخت حق بیمه

بیکاری" خلاصه کرد. البته با شروع فصل تابستان و پیدایش امکان کار در مزارع و باغات و نیز پرداخت حق بیمه بیکاری بمیزان ۶۵۰۰ ریال در ماه به کارگران بیکار، مبارزات این بخش از کارگران روبه افول رفت. گفتیم که شکل عمده مبارزه در ماه های اول بعد از قیام تحمیل بود (۹۰٪ موارد) سیاستی اضافه کنیم که بمرور و در اثر شکستن اعتماد ناآگاهانه کارگران بدولت و مشاهده عدم پاسخگویی دولت به خواسته های ابتدائیشان علیرغم اطلاع از آنها، تاکتیک تحمیل جای خود را بتدریج به اعتصاب داد بطوریکه از ۲۲ مورد حرکت اعتراضی ثبت شده در خرداد ماه (۵۸) هیجده مورد اعتصاب بوده است. توده های کارگر علاوه بر اعتصاب، عمل مستقیم و اجرای انقلابی تصمیمات و خواسته های خود را در دستور کار قرار دادند و در همین رابطه بود که در اوایل خرداد ماه مطالبه و اجرای انقلابی خواسته های چون ۴۰ - ساعت کار در هفته، در واحدهای تولیدی ابعاد وسیعی یافت، (۱۲ مورد در گیلان، ۶ - ۷ مورد قزوین، چند مورد در تبریز و تهران و غیره ۴۰) بطوریکه شورای انقلاب و ادارات در دریا نژده هم مرداد ماه اعلام کنند که ساعات کار به ۴۰ ساعت در هفته کاهش یافته است (بگذریم از اینکه چند روز بعد وزیر کار این

قانون را منافی ضرورت زمان - کار و تولید بیشتر (۱۹) - دانست و عملاً "با جراردنیا مد"، مبارزات کارگران در اوایل مرداد ماه ابعاد عظیمی یافت، بدان حد که "جنبش" چهار ساعت کار در هفته "ذهن بسیاری از رفقا را بخود مشغول کرده بود و زمینه های لازم جهت برقراری ارتباط فیمابین مناطق و تلاش برای هدایت رهبری آن مورد نظر قرار گرفت بگذریم از اینکه اپورتونیسیم راست در همان زمان هم سازماندهی جنبش چهار ساعت کار در هفته را اگر چه در اوایل و در حصر پذیرفت اما عملاً آن را به پیش نبرد و سپس (بعد از تهاجم حاکمیت به کردستان) صحت اقدام خود با فروکش کردن مبارزات توده ای در این رابطه توجه کرد یا مثلاً در کارخانه جیت تهران (با فکر) که از جمله واحدهایی با کارگران عقب مانده بوده است، نزدیک به دوهزار کارگر در تاریخ چهارم مرداد ماه ۳۵، خواسته اقتصادی و سیاسی خود را بشورای فرمایشی کارخانه که زیر رهبری حزب جمهوری اسلامی بود و علی محمد عرب نماینده مجلس خبرگان رئیس آن بود، ارائه دادند و احسرای آن ها را خواستار شدند. سطح بالای انتظار کارگران ناشی از پشت سر گذاردن قیام و عملکرد مساوات طلبی خرده بورژوازی در ذهن کارگران با بحران عمیق شونده و

نا توانی حاکمیت سیاسی در بر آوردن انتظارات آنها دست بدست هم داد و به جنبش کارگری ابعادی "نگران کننده" بخشید (۱). در این زمان دهقانان نیز اگر چه دیر اما با سرعت بیدار شدند و بحرکت در آمدند و موج اعتراضی و سطح مطالبات آنها هر روز ابعاد وسیعتری می یافت. دهقانان کرد و کرمن - صحرا متشکل شده در اتحادیه ها و شوراهای دهقانی مبارزه علیه زمینداران بزرگ را پیش می بردند. خلق کردسالیان در از برای تامین و تضمین حق تعیین سرنوشت خود و دیگر خلایق ایران مبارزه کرده بود و بدفعات حتی جنگیده بود. تحقق خواسته های خود را بعد از پیروزی قیام آرزو می کردند آنها در طول چند ماه مبارزه سیاسی در راه رسیدن باین خواست، به تجربه دریافته اند که انتظار تضمین و برسمیت شناختن خود مختاری از حاکمیت سیاسی سازشکار، توهمی بیش نیست. همه راه های ناشونی و مسالمت آمیز جهت مبارزه در راه رسیدن باین خواست تجربه شده بود آخرین آنها شرکت در انتخابات مجلس خبرگان و انتخاب نماینده اول خود از میان موکراتها بود.

دولت که از یک طرف انتظار چنین پیروزی را نداشت و از طرف دیگر حقی حاکمیت و نیز تسلطه ایدئولوژیک خود را در خطر میدید دست با آخرین حربه خود جهت تثبیت موقعیت خود و مقابله با حاکمیت مردم یعنی قوه قهریه زد و فرمان آیت الله خمینی جنگ ناخواسته ای بخلق کرد. تحمیل شد بقیه در صفحه ۶

مبارزات کارگران موقتا افت می کند

بقیه از صفحه ۵

داد که رکود برای آنکه میرفت
بر جامعه مسی شود
هم زد و از او اسد شهریور
ماه بود که بار دیگر حرکات
اعتراضی و اعتصابی
کارگران چشمگیر و قابل
توجه شد.
ما قبلا "در سرمقاله

در آن واحدهائی که بین
سازمانهای سیاسی طبقه
کارگر و کارگران پیوندی
نسبتا محکم بوجود آمده
بود و کارگران پیشرو
توانسته بودند اعتماد
عمیق آنان را جلب کنند
مبارزه کارگران نه تنها

اسلامی" پیوسته بودند
بر خوردار بود. گروه
دیگری نیز کمک دولت
بودند، متعصبین کوردل
و کینه دهنی که همه چیز
را در پستوی حیره تنگ
و تاریک خود میجستند و
اگر چه مبارزه علیه رژیم
شاه را تا با خردا دامه
داده بودند اما اکنون همه
موانع را رفع شده
می انکاشتند و "سازندگی"
(بخوان باز سازی نظام
قبلی) را وجهه همت خود
قرار داده بودند.

پیوندی (گرچه نه چندان
عمیق و محکم) با کارگران
پیشرو و آگاه برقرار
کنند. این کارگران
توانسته بودند با شرکت
مستقیم در مبارزه توده
کارگران و کارافشاگرانه
در بالا بردن آگاهی
کارگران موثر باشند.
بعلاوه دانشجویان
انقلابی و مبارزی که
قلیشان بخاطر توده ها
می تپید و شور حاصل از
قیام و عشق به توده ها
آنها را به کار خانات
و بمیان کارگران کشانده
بودند نیز توانسته بودند

فتوای آیت الله
خمینی مبتنی بر خطر
افتادن اسلام در پناه و
لزوم نجات آن، مسبب
و محرک یک سلسله اقدامات
ضد دمکراتیک و تهاجم
آشکار به حقوق و آزادیهای
دموکراتیک خلق گردید.
بدین ترتیب که با تبلیغات
وسیع و منظم رادیو و
تلویزیون، جوی هیجان
زده و تحریک شده علیه
نیروهای مترقی و مخصوص
کمونیست ها بوجود آمد.
موتورسواران و چماق
بدستان "حزب اللهی" در
تهران و شهرستان های
تتهاجم به اجتماعات حمله

آنچه مسلم است این است که قیام حتی
خواستهای ابتدائی و اقتصادی کارگران را
هم بر آورده نساخته است و اگر چه کارگران
هنوز چندان بدان آگاهی نیافته اند اما
غریزه طبقاتی آنان را بدانجا میکشاند که
رودر روی حاکمیت سیاسی بایستند.

"کار" شماره ۳۴ (هفتم
مهر ماه ۵۸) تحت عنوان
"اعتصابات کارگری روز
بروزدا منه وسیع تری
می یابد، جنبش کارگری
ایران رو با عتلاست" گفته
بودیم، "از اوایل شهریور
ماه بعد حرکات خودپوی
کارگری مشخصا "دوباره
رو بگسترش نهاده است.
اکنون این مبارزه در
بسیاری موارد جنبه سیاسی
بخود گرفته است... علاوه
بر این مبارزه کارگران
برای "پاک سازی" و شورا و
نقش آن "که یادگار
مبارزات دوران قیام
است با افت و خیزهایی
همچنان ادامه دارد و در
برخی موارد حتی گسترش
یافته است... این

رو با فول نرفت بلکه
صحنه های غرور آفرین
از شکل گیری صف مستقل
پرولتاریا را بنمایش
گذاشت. مصداق کارخانه
صنایع چوب، راه پیمائی
وتحصن جلوفروشگاه
کارخانه در خیابان دکتر
مصدق همراه با شعارهای
انقلابی کارگران، آنهم
درست در فریاد فتوای
آیت الله خمینی، از جمله
نمونه های است که ما
شاهد آن بوده ایم

آیت الله خمینی دومین
فترت خود را صادر کرد:
و این خود بهترین توجیه
جهت سرکوب کارگران و
جله گیری از مبارزات آنها
برای احقاق حقوق خود
شد. آب تطهیری شد
که بر سر کوب کارگران
توسط سرمایه داران و
کارفرمایان ریخته شد.
سرمایه داران که بعزت
روحیه بالای کارگران
نتوانسته بودند در این
چند ماه مبارزه جوئی
و حق طلبی آنها را فرو
نشانند و سرکوب کنند

در آن واحدهائی که بین سازمانهای
سیاسی طبقه کارگر و کارگران پیوندی
نسبتا "محکم" بوجود آمده بود و کارگران
پیشرو توانسته بودند اعتماد آنان را جلب
کنند مبارزه کارگران نه تنها رو به افول
نرفت بلکه صحنه های غرور آفرین از شکل
گیری صف مستقل پرولتاریا را بنمایش
گذاشت.

اعتلا همچنان در ماههای
آتی ادامه خواهد یافت،
بایستی اضافه کنیم
که پیش بینی ما در مورد
گسترش مبارزه در ماههای
آتی متکی بر تحلیلهای
عینی بود و واقعیت نیز
صحت آنها را نشان داد.
این مورد میتواند شواهد
زیرا ذکر کرد:
مبارزه برای تسویه
مدبران وابسته به رژیم
سابق در کارخانه ها
بمیه در صفحه ۴

اگر سازمانهای سیاسی طی ماههای
بعد از قیام به تجربه دریافته بودند که
آزادیهای دمکراتیک در ایجاد سازمان
سیاسی کارگران چه نقش مهمی دارد، دولت
نیز به تجربه دریافته بود که تداوم چنین
فضای نیمه دمکراتیکی با منافع طبقاتی
انطباق ندارد و هر روز که بگذرد، زمین زیر
پایش بیشتر خالی میشود و پایگاهش را بیشتر
از دست میدهد.

اکنون با فتوای امام، جانی
تازه گرفتند و در محفل
کارشان اظا هر شدند. به
عنوان مثال خسرو شاهی
سرمایه دار معروف و
صاحب کارخانه مینوسر
و کله اش در کارخانه نمیدا
شور و در روی شورای مینو
قرار گرفت و آنرا تهدید
کرد و بسیاری از دستاوردها
شورا را مورد سوال قرار
داد.

در این چند ماه در کارخانه
ها جا بیفتند و امر انتقال
آگاهی سوسیال دمکراتیک
را پیش برند.
اگر سازمانهای
سیاسی طی این مدت به
تجربه دریافته بودند که
آزادی های دمکراتیک
در ایجاد سازمان سیاسی
کارگران چه نقش مهمی
دارد، دولت نیز به تجربه
دریافته بود که تداوم
چنین فضای نیمه
دمکراتیکی با منافع
طبقاتی انطباق ندارد
و هر روز که بگذرد، زمین
زیر پایش بیشتر خالی
میشود و پایگاهش را
بیشتر از دست میدهد. بر
این اساس بود که دولت
با تبلیغات سرسام آور
و گپیچ کننده، با هزاران
دروغ و نیرنگ توده های
نا آگاه کارگران را بسیج
کرد و تهاجم به شوراها
و بالاخص عناصر مترقی و
کمونیست آنها را فوق
العاده شدت یخشید و در
اینکار از کمک سراسر
سپردگان رژیم سابق
که پس از قیام تغییر
چهره داده و به سازمان
دهندگان "انجمن های

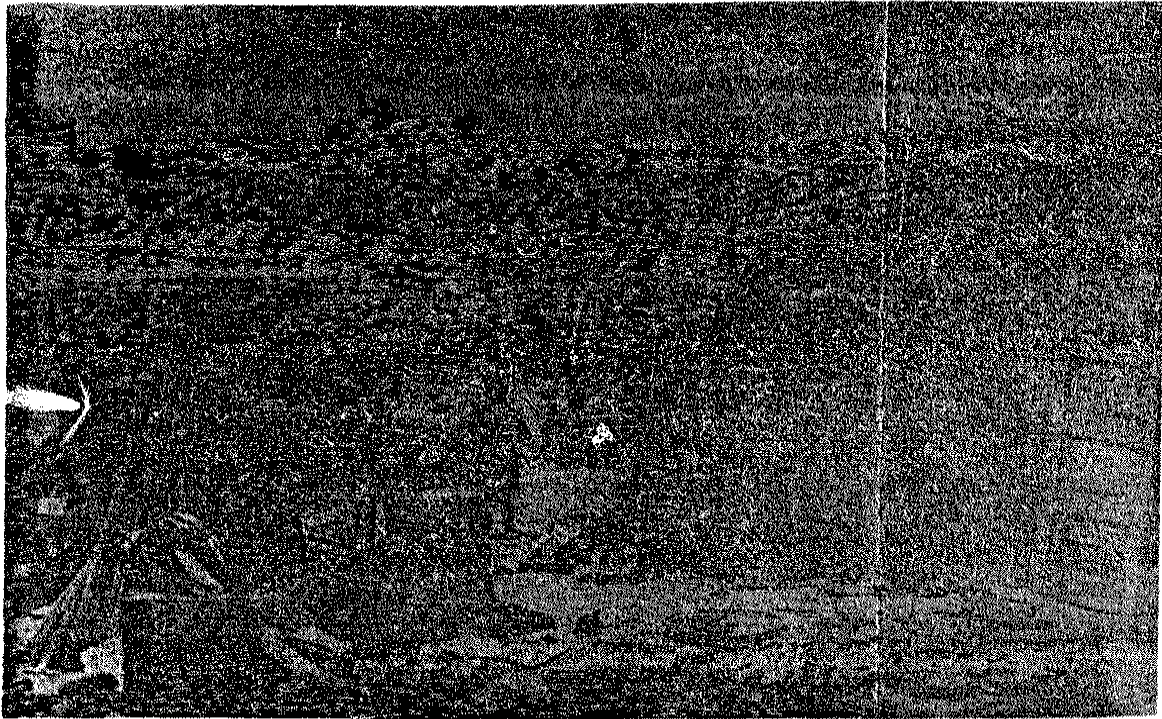
بدفاتر سازمانهای سیاسی
و آتش زدن آنها و نیز به
ریختن بساط کتابفروشی
ها و پاره کردن و سوزاندن
کتابها و نشریات فضای
خفقان بار و وحشت زابه
وجود آوردند.
روشن بود که اعتماد
نا آگاهان به کارگران
نسبت به خمینی و واقعیت
سرکوب بیرحمانه هر
جنبشی بر مبارزات کارگران
تا شورشیدی بگذارد و
موقتا مبارزات آنها
افت پیدا کند. عامل
مثبت و قابل تاکید که
در این زمان (پیش از
شش ماه پس از قیام) در
ارزیابی شرایط میبایستی
مورد توجه قرار گیرد
نقش و اهمیت سازمان
های انقلابی و کمونیستی
بود. این سازمانها و
بخصوص آنها که آشتی
نا پذیریشان در مبارزه
علیه رژیم شاه برای
همه شناخته شده بود،
در پاره ای از واحدها
اعتماد عمیق کارگران را
نسبت بخود جلب کرده
بودند. آنها توانسته
بودند در فضای نیمه
دمکراتیک بعد از قیام

دوران افول ورود
جنبش کارگری دیگری
نیاید بحران عمیق
خواست های تا مین نشده
توده های مردم عدم تمایل
و نیز عدم توانائی تامین
آنها از طرف دولت و مهمتر
نا توانی در سرکوب منظم
موجب آن شد که نشانه های
شکست در جنگ کردستان
دوسه هفته پس از تهاجم
بروز کرد و موج افشاگریهای
سازمانهای سیاسی و
بخصوص سازمان ما علی رغم
عقب ماندگی چشمگیر آن
از حوادث - و نیز خود
واقعیت جنگ (قوی تر از
هر عاملی) چنان توده ها و
حتی پاسداران را تا کنان

اگر چه تاثیر این فتوا
بر توده کارگران نا آگاه
قابل توجه بود و همراه
با سرکوب اوج گیرنده،
افت چشمگیری را در همان
روزهای اول در حرکات
کارگران باعث شد ولی

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

شمیران نو جلوه‌های از فقر و محرومیت



یکسال و نیم پس از قیام، هنوز دولت جمهوری اسلامی نتوانسته حتی گامی در جهت بهبود زندگی زحمتکشان، بخصوص حاشیه‌نشینان شهرها بردارد.

ماهیت حاکمیت موجود
و وعده سران جمهوری اسلامی
می‌برند و دیگری حرفهای
آنان چندان دل خوش
نمی‌دارند.
آنچه در زیر می‌خوانید،
گزارش مختصری است از یکی از
محلله‌های زحمتکش نشین تهران
بنام شمیران نو.
شمیران نو در شمال شرقی
تهران قرار دارد. اهالی این
محل اغلب زحمتکشانی هستند
که برای امرامعاش، از روستا-
های خود از خانه‌وزمین بریده‌اند
و به شهرهای آلوده‌اند. هر روز
که می‌گذرد بر جمعیت این محل
افزوده می‌شود. در خیابان
اصلی آن دست‌فروشان، که
از ناگریزی و بیکاری به این کار
مبادرت ورزیده‌اند، بساط
پهن کرده‌اند.
به ظاهر محل که نگاه‌کنی فقرو
بدبختی چندان نمایان نیست،
اما، کافی است این پوسته
ظاهری را بشکافی و در بطن محله
فروری تافرو و محرومیست و
مشکلات، در کجای آن کجای
پر خاک و خل‌خانه‌های تنگ
چند خانواری روزی مشقت‌بار
و دردها و رنج‌های آهالی،
مشاهده و لمس شود.
به داخل یکی از خانه‌ها
می‌رویم. این خانه بسیار
کوچک، دارای دواطاق است که
دو خانوار نسبتاً عیالوار را در
خود جای داده‌اند. اطاقها با
دو دو کفایت "مزمین" شده‌اند،
و از نعمت آفتاب بی‌نصیب‌اند.
در اطاقی که زیر پلکان قرار دارد
بیشتر به انباری شبیه‌است، زن و
شوهری با دو بچه، خود در آن
زندگی می‌کنند. این زن که
سالهایی از عمرش را در این محل
و این خانه بسر برده، پیرامون
محلله شمیران نومی‌گفت:
"موقعی که ما از دهات مان که
نزدیک سراب است برای کار
کردن به تهران آمدم، شمیران
نومثل بیابان بود و تک‌توک
خانه در آن ساخته شده بود، نه
آب داشتیم و نه برق. مجبور
بودیم برای شستن رخت و لباس‌ها

با سیری شدن هفده ماه از
قیام شکوهمند توده‌های
زحمتکش میهن‌مان، وجود
بیرجائی حلیی آبادها،
و رآبادها، زاغه‌نشین‌ها و
ظلم آبادها، همچنان، فقر
و محرومیت بر خاسته از سلطه
سرمایه‌داری و ایستراسه
خشن‌ترین و عریان‌ترین شکل
نشان می‌دهند. هنوز
زحمتکشان و کم‌درآمدها دست
به‌گریبان مشکل دیرینه مسکن،
اجاره‌نشینی و خانه‌بدوشی-
اند، از این بابت رنج می‌برند
هر روز هم بر رنجشان افزوده
می‌شود. اما، حکومت جمهوری
اسلامی در طی این مدت
نتوانسته است هیچ‌گام اساسی
در جهت ریشه‌کن کردن این
مشکل اساسی میلیونها تن
محروم و مستمیده و حیل
بنیادی آن بردارد. دولت
جمهوری اسلامی نه تنها
حلیی آبادها را از میان نبرده
است و نه تنها مسکن مناسب
برای زحمتکشان و کم‌درآمدها،
فراهم نیآورده‌است، بلکه با
فریبکاری و وعده‌ها و برنامه‌های
پرطمطراق، اما تو خالی، مشکل
را عمیق‌تر و پیچیده‌تر کرده
است، و حتی اقدامهای
انقلابی زحمتکشان بی‌خانه و
زاغه‌نشین در جهت مصادره
انقلابی و تصرف خانه‌ها و
آپارتمانهای مالکان و سرمایه
داران فراری را، با گسیل
پاسداروز-به خاک و خون
کشیده‌ومی‌کشد. و به‌رغم آنکه
سردمداران جمهوری اسلامی
، دامن سنگ "کوچ‌نشین‌ها"
و مستضعفین را به سینه می‌زنند
اما با صدور فتواها و بنیانه‌های
"شدیداللعن" اقدامات
انقلابی زحمتکشان را در جهت
مصادره انقلابی خانه‌های
سرمایه‌داران و زمینداران عطو
ضدانقلابی اعلام می‌کنند و
مجازاتهای سنگین نیز برای
آنها منظور می‌گردد.
اما، اکنون، توده‌های
زحمتکش میهن‌مان بی‌شراز
پیش در تیر به روز مره خود بی‌به

مشکلات و مسائلی است که
زحمتکشان میهن‌مان با آن
دست‌به‌گریبانند و تازه می‌توان
گفت این محله در مقایسه با
گودها و حلیی آبادها، از رفاه
اندکی مانند داشتن آب و برق
- حداقل امکانی که هر شهروندی
باید از آن بهره‌مند باشد -
برخوردار است. دولت
جمهوری اسلامی که همه جا با
بوق و کرنا خود را حامی این مردم
معرفی میکند و هر روز نوید مسکن و
زمین... و غیره میدهد در مقابل
اقدام گودنشینان به مصادره
انقلابی خانه‌های سرمایه‌داران
آنها را به کلوله می‌بندد و
پاسدارانش را در صف گوشت و
تایدو... به جان انسان
می‌اندازد و خلقهای تحت
ستم میهن‌مان را در کردستان
و ترکمن صحرا به خاک و خون
می‌کشاند و در مبارزه سرمایه
داران و کارگران از سرمایه‌داران
دفاع میکند چگونه می‌تواند
به خواستهای زحمتکشان پاسخ
دهد و خود را مدافع آنها قلمداد
کند؟

، وعده‌ها و وعیدهای با بوق و کرنا
دولت را شنیده بود، و نیز بخوبی
دریافته بود که آن همه وعده
در باره دادن مسکن مناسب به
زحمتکشان بی‌خانه، فقط یک
حرف بوده‌است، زیرا که
می‌گفت: "چند بار گفتند که
دولت می‌خواهد به ما اجاره
نشین‌ها و بی‌خانه‌ها، خانه
بدهد، چند وقت پیش بود که
قرار شد بهمان خانه بدهند، ولی
هنوز که خبری نشده و مثل اینکه
قرار هم نیست خبری بشود،
چون اگر اینها خانه بده بودند،
تا بحال داده بودند، و اینقدر با
وعده و وعید ما را سر نمی‌دواندند و
منتظرنی گذاشتند، معلوم
نیست که کی می‌خواهند، بالاخره
برای ما کاری انجام بدهند، و وضع
زندگی ما را سر و سامان بگیرد،
آخر تا کی باید به این بدبختی و
مشقت زندگی کرد."
زن دردی بسیار دارد، هر چه
می‌گوید حکایت سختی و رنج است
زیرا که هر چه زیسته‌است، با محنت
و محرومیت بوده‌است.
این تنها گوشه بسیار کوچکی از

"شوهرم دست‌فروشی می‌کند
، اما درآمدش به خرج‌مان
نمی‌رسد و من مجبور شده‌ام با
هزار تومان پیش‌قسط یک ماشین
کا موابافی بخرم تا اینکه بتوانیم
سروته خرج زندگی را هم بیاوریم،
ولی الان که چند وقت است این
ماشین را خریده‌ام، هنوز
نتوانسته‌ام قسطش را بدهم، چه
رسد به اینکه درآمد هم داشته
باشد، و ناچارم که همین روزها
بفروشم". این تجسم رنج و
زحمت درباره گرانی می‌گوید:
"با این گرانی‌ها که روز بروز هم
بیشتر می‌شود نمی‌دونم که چه
جوری باید زندگی کرد، من تنها
نیستم، توی همین محله‌ها،
همه شون زندگی شان عین من
است، همه از گرانی و بی‌پولی کله
و شکایت دارند، باورنداری،
ولی به خدا، بعضی وقتها،
بچه‌ها چیزهایی هوس میکنند
که نمی‌توانیم برای آنها، بخیریم
، و مجبورم هزارویک بهانه
بیارم تا از سر هوس شان بگذرند."
این زن زحمتکش و محروم نیز
همچون زحمتکشان دیگر میهن‌مان

کنار فشار بی‌ها که فاصله زیادی تا
اینجا داشت راه برویم. تا بستان
گذشته اینجا لوله‌کشی شد و یکی
دو خیابان یا یک خیابان آنرا
اسفالت کردن، در مانگاه و
داروخانه و فروشگاه هم ساخته
شده بچه‌ها مون تا همین چند
سال پیش مدرسه درست و حسابی
نداشتند و مجبور بودن به جای
تیمکت روی زمین بنشینند و
درس بخوانند، حالا هم که
مدرسه ساخته شده بسکه شاگرد
زیاده و مدرسه کم، بچه‌ها
بالا اجبار در سه نوبت در تارکی و
سرمای زمستان به مدرسه می‌روند.
مدرسه راهنمایی و دبیرستان هم
اینجانیست، و بچه‌ها ناچار باید
به شرکت واحد که چند کیلومتر با
اینجا فاصله داره بروند. این
زن زحمتکش که سالها رنج
در بدری و مستاجر نشینی در خانه
های پرت افتاده و تنگ و فرسوده را
متحمل شده، در ادامه می‌گوید
حرفهایش، جدا از مشکل خانه و
کمبودهای محله، پیرامون کار و
بار شوهرش و گرانی که دل پر
هردی از آنها داشت می‌گفت:

استقلال - کار - مسکن - آزادی

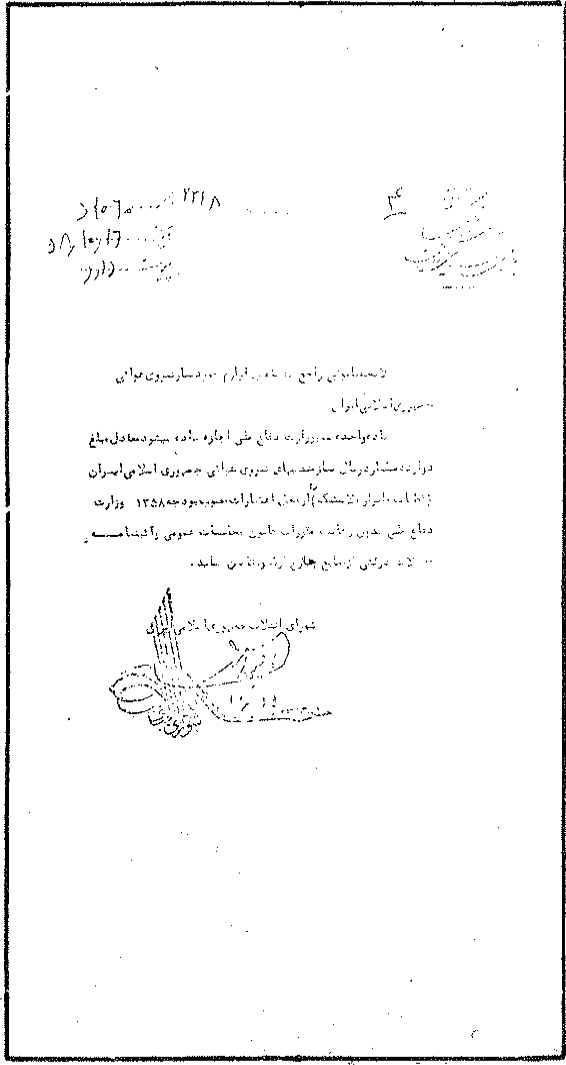
تامین "فوری" تجهیزات ارتش از امپریالیست‌ها

برای چیست؟

در شرایطی که وضع اقتصادی میهنمان هر روز غیر قابل تحمل تر و رنج آورتر میشود، در شرایطی که کمی در آمد و افزایش سرسام آور قیمت ها، بیکاری، فقر و گرسنگی، زحمتکشان را بسته آورده است و دولت نیز هیچ‌گام قاطع و موثری جهت حل این مسائل و مشکلات بر تمب ندارد، شورای انقلاب، صدها میلیون تومان بودجه برای خرید لوازم و قطعات مورد نیاز نیروی هوایی ارتش جمهوری اختصاص میدهد.

سندی که مشاهده میکنید نمونه کوچکی است از مبالغ گزافی که دولت و شورای انقلاب خرج تجهیز ارتش و قوای سرکوب میکنند. آیا این تامین "فوری" قطعات و تجهیزات، جز برای مصارف "فوری" مثل سرکوب و کشتار خلق کرد است؟ نکته جالب در این سند اینست که شورای انقلاب برای تامین لوازم و قطعات هواپیما ها و فانتوم های ارتش جمهوری، قید کرده است که وزارت دفاع ملی میتواند هر چه سرعتر و "بدون رعایت مقررات قانون محاسبات عمومی و آئیننامه معاملات دولتی" قطعات و ابزار مورد نیاز از منابع خارجی تامین کند. آیا این منابع خارجی جز امپریالیست‌ها، منابع دیگری هستند؟

امروز توده‌ها و قتیکه کشتار خلق کرد، یورش به آزادیهای سیاسی و اجتماعی، حمله و تهاجم و تبلیغات سازمان داده شده علیه نیروهای سیاسی مترقی جامعه، ایجاد جو آراب و ناامنی - وضعیت زندگی روزمره خود یعنی گرانی سرسام آور، وضع مسکن، بیکاری و کمی مزد و حقوق را در کنار این سیاستهای حاکمیت میگذارند این سؤال مطرح میشود که آیا واقعا "این دولت و این حاکمیت در صدد تامین رفاه و خواستههای توده‌هاست یا باز هم در صدد تجهیز ارتش و قوای نظامی برای سرکوب هر ندای حق طلبانه و آزادیخواهانه؟! "



باشیوه‌های قرون وسطایی نمیتوان نارسائی‌های اجتماعی را ازین برسد

جمهوری اسلامی، اخیرا "بمنظور مبارزه با فحشا و فساد (که ریشه در مناسبات اجتماعی منحط سرمایه‌داری دارد) به شیوه‌های قرون وسطایی مبارزه توسل جسته است که امروز دیگر نه تنها برای مردم ما قابل قبول نیست، بلکه با انزجار و تنفر سه آن می‌نگرند.

امکان پذیر نیست. اگر مطابق اعتقاد رئیس دادگاه انقلاب اسلامی، قطع دینه و سنجیدن اعمال شنیع با... میبایست در عرصه... و کشورهای که بدین شیوه‌ها متوسل میشوند، خبری از فساد و فحشا نباشد. حال آنکه چنین نیست، تجربه انقلابات پیروز مند پرولتری نشان داده است که... ناهنجاری‌های فرهنگی و اخلاقی که محصول جامعه طبقاتی است، تنها در رابطه با تغییرات اساسی در مناسبات اقتصادی و اجتماعی جوامع، امکان پذیر است. چه در ویتنام قهرمان و چه کوبای سوسیالیستی، در هر کجا که انقلاب، مناسبات جامعه را از بن‌بروز رو کرده است، توانسته اند در بر خوردی آگاهانه و سنجیده، معلول‌ها را در مرن تغییرات اساسی قرار داده و بطور ریشه‌ای آنها را از بین ببرند. جمهوری اسلامی از آنجا که میخواهد به جای برخورد اساسی با ریشه‌ها و علت بدبختی‌ها، به معلول‌ها بپردازد، علیرغم هرگونه شدت عمل و خشونت که بکارگیرد، هرگز قادر به از بین بردن آنها نیست.

رئیس دادگاه انقلاب اسلامی کرمان نحوه سنگسار را چنین تشریح کرده است: "به متهم ابلاغ میشود که شخصا غسل میت را انجام دهد... بعد از غسل، نوبت خنود میرسد که این کار را خود متهم باید انجام دهد... بعد از اینکه کفن تن کند... بعد از اینکه کفن پوشید اورا تا سینه در چاله‌ای فرو میکنند و بعد عده‌ای از مومنین او را سنگسار میکنند تا بدین وسیله از دنیا برود..."

انحلال آموزش و پرورش کردستان و مبارزات خلق کرد

مبارزات پرشکوه و دل‌آورانانه خلق قهرمان کرد، برگزیده‌های زرینی در تاریخ مبارزات خلقهای میهنمان گشوده است، خلق رزمنده کرد که از ماهها قبل از قیام مبارزهای پیگیر و بی‌امان علیه رژیم وابسته به امپریالیسم پهلوی آغاز کرده بود، بعد از قیام نیز مبارزه خود را در بعد ضد امپریالیستی آن ادامه داد و تا کنون برای رسیدن به حقوق دموکراتیک خلقهای ایران، استوار و بی‌تزلزل گام برداشته و در این راه مصائب و سختیهای بیشماری را تحمل کرده است.

بمباران شهرها و روستاها، به گلوله بستن مردم بی دفاع، اعدامهای دسته جمعی و وسیع و بلاخره محاصره اقتصادی، خللی در مبارزه خلق کرد بخاطر حفظ و گسترش و تعمیق دستاوردهای قیام بوجود نیاورده است. امروز سرکوبگران خلق قهرمان کرده شیوه‌های نو برای بزانو در آوردن آنها دست زده و با اعلام انحلال آموزش و پرورش کردستان جبهه جدیدی در این مبارزه گشوده اند، امروز معلمین و محصلین رزمنده کرد که در آگاه سازی توده‌ها و سازماندهی مبارزه خلق کرد نقش فعال و برجستهای ایفا میکردند بنوعی دیگر مورد غضب سرکوبگران قرار گرفته اند. مدارس کردستان، با توجه به نقش پراهمیت معلمین و

محصلین رزمنده و مبارز، یکی از بایگایهای مبارزه و مقاومت خلق کرد محسوب میگردد. مقاومت دلیرانه محصلین شهر سنجندج در مقابل ورود ارتش و پاسداران به شهر در آغاز یورش سه سنجندج، نقش آنها در بسیج سازماندهی توده‌ها برای مقابله با تهاجم نظامی در اکثر شهرهای کردستان و همچنین برنامه‌های که برای جمع آوری و کمک رسانی غذایی و درمانی به رزمندگان و مردم قهرمان کردستان ترتیب داده بودند، مبین نقش بارز شان در مبارزه، و ترس و وحشت سرکوبگران از آنهاست سرکوبگران خلق کرد امروز می‌خواهند با انحلال آموزش و پرورش بخيال خود معلمین زحمتکشی را که بدون واهم و ترس جاده‌های سنگلاخ و صعب العبور روستاهای کردستان را می‌پیمایند تا آگاهی و فرهنگ انقلابی را اشاعه دهند و محصلین و دانش آموزانی را که با شور و شوق فراوان می‌آموزند و آموخته‌های خویش را در مبارزه فرور آفرینشان بکار میگیرند، از مبارزه باز دارند و از حرکت انقلابی آنان جلوگیری بعمل آورند، اما همانگونه که مبارزان و بتوب بستن شهرها و روستاها و محاصره داروئی و غذایی و اعدامهای دسته جمعی انقلابیون نتوانست مقاومت مردم رزمنده کرد را درهم شکنند، انحلال آموزش و پرورش، اخراج معلمین و

بستن مدارس نیز نمی‌تواند آنها را از مبارزه بخاطر حقوق دموکراتیک خود باز دارد. اعلام انحلال آموزش و پرورش کردستان در عین اینکه نمایشگر ضعف و زبونی سرکوبگران در پرورش نظامی به کردستان است و رشک شکنی تئوریهائی را نشان میدهد که می‌خواهد حاکمیت را با نصیحت و پند و آداب به دادن حقوق خلق کرد کند این تصمیم دولت در عین حال و بر خلاف آنچه که گردانندگان "ارگان سراسری" جلوه میدهند شرکت فعال و همه جانبه‌ی توده‌های کرد را در این مبارزه بیان می‌کند. انحلال آموزش و پرورش کردستان همچنین پاسخی است به گردانندگان "ارگان سراسری" که از آیت الله بهشتی و رئیس جمهور پرسیده بودند "تاکنون چرا اقدام عملی و مثبتی برای حل مسئله کردستان بعمل آورده اند. انحلال آموزش و پرورش کردستان در عین حال گام دیگریست که هیئت حاکمه در پیس انقلاب به اصطلاح فرهنگی برداشته است و همراه با کشتار و اعدام انقلابیون در گوشه و کنار کشور، در جهت محو نابودی دستاوردهای قیام خونین خلق میکوشد و ماهیت خود را نیز بیش از پیش آشکار میگرداند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

"پیشداوری" های ما یا "تسلیم طلبی" های شما؟

● در پاسخ به مقاله مندرج در شماره ۶۳ ارگان سراسری "کمیته مرکزی"

قدرت از پائین متوسط مردم که بیگانه تضمین موقتی و واقعی انقلاب است جلوگیری نماید. این حکومت موعود فراخواندن مجلس موسسان را تاکنون حتی معین هم نکرده است. این حکومت دست به ترکیب زمینداری اربابی که پایه های تزارسیم فئودال را تشکیل میدهد نمیزند. حتی فکر این را هم نمیکند که عملیات جنگهای انحصاری مالی،

و نتیجه های جز تخدیر و هوشیاری توده ها که در خفا در خدمت بورژوازیست، نداشته است. باز هم چندان اهمیتی ندارد. بایک چنین شیوه استدلالی، بنظر میرسد که احزاب منشویک و اس ارتز که در روسیه از حمایت وسیع توده ها برخوردار بودند، و شوراهار ایش سر داشتند، نه نیروهای سازشکار، نه تحمیلی کنندگان توده های مردم بلکه بانکا همین پایگاه توده های قدرت

حمایت توده های اش میتواند، رئیس جمهور و یانگست وزیر را بایک دست خط عوض کند. این است یک برداشت لیبرالی از مارکسیسم بجای مارکسیسم - لنینیسم انقلابی. اینکه قدرت واقعی در دولت عملا در دست کدام طبقه است، به اعتقاد آنها باین مسائل مربوط نیست، که مقامات حساس دولتی، ارتش و بوروکراسی یعنی ستون فقرات دولت در دست کدام طبقه است و سیاستهای کدام

کسیده اند که معتقدند "نارتش، نه شهربانی، نه اندامسری، هیچکدام بدون فرمان خورده بورژوازی حاکم حق شلیک تیر ندارند." یعنی به تعبیر آنها قدرت واقعی در دست خورده بورژوازیست. ما نیز بحث خود را از همین مسئله آغاز می کنیم آنها در مقاله خود می نویسند: یکی از دلایلی که رفقای برای اثبات این حکم که طبقه است قدرت واقعی در دست نمایندگان سرمایه داری و استه با میریالیسم است ارائه میدهند، آن است که گویا اغلب پست های حساس در دست

صریح نظرش داشت، چرا که توافقی گویی و ایهامات صمیمه کار ۳۵ و سپس اعلام غیرواسته دانستن حاکمیت سیاسی در کار ۵۹ ماهیت طبقاتی حاکمیت را مشخص نمیکرد، سرانجام در اثر گسترش وحدت مبارزه طبقاتی، فشار نیروهای سیاسی، و مبارزه ایدئولوژیک درونی و علنی، نظرش را اعلام کرد، ما نیز علیرغم اینکه از در غلطی روزافزون آنها در منجربلاب اپورتوئیسم بسیار متأسفیم، اما از اینکه مبارزه ایدئولوژیک علنی اولین ثمرات خود را در جهت ترسیم خط و مرزهای مشخص و اعلام صریح نظرات بسیار آورد

اکنون برخورد با مسئله حاکمیت چه در عرصه تئوریک و چه در جنبه عملی آن صورت یک مسئله حاد و مرم جانش مسا در آمده است. این برخورد از جنبه نظری بدین لحاظ اهمیت حیاتی و تعیین کننده ای یافته است که جناح "کمیته مرکزی" یک برداشت بورژوازی لیبرالی از دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی و مسئله معیارها و ضوابط تعیین قدرت واقعی ارائه میدهد و به تحریف نظریه مارکسیستی دولت پرداخته است. این روند که بارها معیارها و موازین مارکسیستی تعیین ماهیت دولت آغاز شد و در مقاله آنها در ارگان سراسری بنام "نظری پیش داوری" داور به نام مشعین، به تحریف نظریه مارکسیستی دولست و قدرت در نتیجه اعلام استقرار حاکمیت خورده بورژوازی انجامیده است، بی آمد خود را در پیروسی خواهد یافت که سرانجام عملا "به رد هزمونی پرولتاریائی، پذیرش راه رشد غیر سرمایه داری، گذار مسالمت آمیز به سوسیالیسم و خلاصه فی جوهرا انقلابی سوسی مارکسیسم ختم خواهد شد.

کسی که بپنداری خورده بورژوازی را وارد تحلیل مارکسیستی نماید با استدلالش چنین است: بفرضی هم که مواضع حساس و کلیدی در دست بورژوازی باشد، و قبیل از هر چیزی رگانه های مادی سرکوب دولتی، ارتش، شهربانی، ژاندارمری و نیز بوروکراسی در دست این طبقه باشد و سیاستهای این طبقه در عمل اجرا شود، با زهم قدرت واقعی در حاکمیت در دست آیت الله خمینی است.

طبقه اعمال می شود. اینکه سران ارتش، شهربانی، ژاندارمری، وغیره همان جلا دان رژیم شاه باشند، اینکه وزارتخانه ها و پستهای حساس دولتی در دست نمایندگان بورژوازی بویژه بورژوازی متوسط خاواها از طبقه لیبرالها و یا سیران حزب جمهوری اسلامی باشد، اینکه سیاستهای اعمال شده از جانب این دارندگان قدرت چه در زمینه سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی در خدمت بازسازی و ترمیم مناسبات موجود و سلطه سرمایه داری وابسته است، هیچیک تعیین کننده ماهیت طبقاتی دولت، و اعمال قدرت واقعی نیست. مهم اینست که آیت الله خمینی میتواند با یک دست خط ساده چند سطر بپایان دهد که توده های اثر نخست وزیر و بیار رئیس جمهور را از پست خود برکنار کند، حال اگر آیت الله در طی یکسال و نیم گذشته تنها نمایندگانشان بورژوازی را در پست های حساس دولتی تایید کرده و بویژه سیاستهای بورژوازی آنها مهر تأیید زده است، نه تنها دست خط های خیالی صادر نکرده بلکه در صورت تغییر و تحولات یک نماینده بورژوازی بجای دیگری قرار گرفته و سیاستهای بورژوازی را اعمال کرده است، اینکه سرکوب خلقهای تحت ستم، کرد و ترکمن، سرکوب توده های خورده بورژوا، اعدام نیروهای انقلابی، سرکوب سازمانها و نهادهای انقلابی، سرکوب آزادیها و حقوق دموکراتیک که تنها در خدمت بورژوازیست، مورد تأیید سران سازشکار خورده بورژوازی قرار گرفته است.

مضمون اصلی مقاله "نظری" یسر اثبات این امر است که خورده بورژوازی قدرت سیاسی را در دست دارد و خورده بورژوازی تبدیل به زائنده اگر اینچنین و آنچه در دستگاه دولتی در ارتش و بوروکراسی عناصر وابسته است بورژوازی یافت می شوند، آنها مطیع فرامین خورده بورژوازی و در حقیقت مهره های بی هستند که خورده بورژوازی در شرایط کنونی از آنها استفاده می کند. به تعبیر دیگر موجود حاکمیتی خلقی، فدا میریالیست و انقلابیست (۱)

از جنبه عملی این تحریف لیبرالی تئوری مارکسیستی دولت و قدرت دولتی، در سیاست عملی این جناح بصورت روی برافسان امر مبارزه انقلابی، پست کردن به منافع طبقه کارگر، محکوم نمودن مبارزات دهقانان و خلقهای تحت ستم کردستان، ترکمن صحرا، و... سازش جناحهای بورژوازی به سرمایه داری؛ علیه امیریالیسم و در یک کلام تبلیغ سازش طبقاتی که در روزهای اخیر شکل کار مابارری خود گرفته، متجلی شده است.

بانکهای بزرگ، سندیکاها و کارتلهای سرمایه داران وغیره را واریس کند، اعمال آنها را بر مصلحت سازد، و آنها را تحت کنترل خود گیرد. عمده ترین مقامات وزارتیه که دارای اهمیت قطعی است در حکومت جدید وزارت کشور، وزارت جنگ، یعنی فرماندهی بر ارتش و نیز پلیس و دستگاه اداری و کلیه دستگاه استواری بر توده ها به سلطنت طلبان علنی و غیر علنی از زمینداری بزرگ اربابی تعلق دارد. به گانه آنها، به این جمهوری طلبان دیروزی، باین جمهوری طلبانی که علیرغم بیلب خود جمهوری طلب بودند، مقامهای فرعی واگذار شده به رابط مستقیم با فرماندهی بر مردم و بر سر دستگاه قدرت دولتی ندارد. آکر نسکی ایضا - سوسیالیست که نماینده تروویک هاست بجز تخدیر هوشیاری مردم و انحراف توجه آنها از جنگ عبارات پرسر و صدا هیچگونه نقش دیگری بازی نمی کند.

واقعی را در دست داشته اند و لنین اشتباه می کرد که قدرت حقیقی در دست بورژوازیست، با اعتقاد مایک چنین استدلالی، چنانچه فریب توده ها نباشد ساده لوحی محض است. نویسندگان مقاله "نظری" بر... "ما را متهم کرده اند که تنها پستهای دولتی را در نظر گرفته ایم که بنظر آنها فاقد اهمیت است، در حالیکه مانه تنها بر ارگانهای اقتدار دولتی، بر پستهای حساس و مواضع کلیدی در دستگاه دولتی بلکه بیش از آن بر سیاستهای اعمال شده از جانب دارندگان قدرت دولتی تأکید کرده ایم. اما این آقایان که پایگاه توده های رمالک "قدرت واقعی" در دستگاه دولتی می شناسند، معیارهای معیاری مارکسیستی را در مورد تعیین ماهیت طبقاتی دولت و قدرت واقعی زیر پا گذاشته اند.

حالیست که ما اینست، چه معیارها و موازین تعیین ماهیت طبقاتی دولت و قدرت واقعی ملاک قرار میدهند. لنین هنگامیکه به ارزیابی ماهیت طبقاتی حکومت پس از انقلاب فوریه می پردازد چنین می نویسد: ... این حکومت در حالیکه نیات خود را در پیس جملات انقلابی پنهان می دارد، مواد را با سلطه کهن را به مقام های حساس می گمارد. این حکومت می گوشت تا تمام دستگاهها شین و ولنی زارتش، پلیس و دستگاه اداری، را حتی المقدور با اصلاحات کمتری به بورژوازی تسلیم نماید. حکومت جدید هم اکنون دست بگاری این شده است که به وسیله ای شده از اقدام انقلابی به عملیات توده ای و تصرف

بسیار خرسندیم. مضمون اصلی مقاله "نظری" بر... "اثبات این امر است که خورده بورژوازی قدرت سیاسی را در دست دارد و بورژوازی تبدیل به زائنده خورده بورژوازی شده است و اگر اینچنین و آنچه در دستگاه دولتی در ارتش و بوروکراسی عناصر وابسته به بورژوازی یافت میشوند، آنها مطیع فرامین خورده بورژوازی و در حقیقت مهره های بی هستند که خورده بورژوازی در شرایط کنونی از آنها استفاده می کند. به تعبیر دیگر موجود حاکمیتی خلقی، فدا میریالیست و انقلابیست (۱)

این است آنچه که مبارزات و میدارد، در شرایط حاکم بر جامعه، در شرایط حدت مبارزه طبقاتی، بی گرانه به مبارزهای جدی علیه نظرات بغایت انحرافی جناح "کمیته مرکزی" پیروان مسئله دولست بر خیزیم.

نخست باید به جنبش شادباش گفت که سرانجام بیکی از روزه های دیرینه خود رسید و "کمیته مرکزی" برای اولین بار در مقاله ای که در ارگان سراسری شماره ۶۳ به نقد نظرات ما اختصاص داد، در حدودی به صراحت نظر خود را درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت اعلام کرد.

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

آنهاست. اما واقعیت این است که مشعین مفهوم قدرت واقعی را درک نکرده اند، برخلاف آنچه از گفتار این رفقا استنباط می شود، قدرت واقعی به تعداد پستهای دولتی مربوط نیست اینکه خورده بورژوازی قدرت واقعی را در دولت بدست دارد بهیچوجه معنی آن نیست که اغلب پستها را نمایندگان خورده بورژوازی اشغال کرده اند یعنی آیت الله خمینی میتواند با یک دستخط چند سطر بپایان دهد که توده های خود نخست وزیر یا رئیس جمهور را از پست خود برکنار بیاورد. باید بروشنی درک کنیم که قدرت واقعی به راستی در دست همین روحانیست.

کسی که بپنداری خورده بورژوازی را وارد تحلیل مارکسیستی نماید، استدلالش چنین است: بفرض هم که مواضع حساس و کلیدی در دست بورژوازی باشد، و قبیل از هر چیزی رگانه های مادی سرکوب دولتی، ارتش، شهربانی، ژاندارمری و نیز بوروکراسی در دست این طبقه باشد و سیاستهای این طبقه در عمل اجرا شود، با زهم قدرت واقعی در حاکمیت در دست آیت الله خمینی است که با تگ

نخست باید به جنبش شادباش گفت که سرانجام بیکی از روزه های دیرینه خود رسید و "کمیته مرکزی" برای اولین بار در مقاله ای که در ارگان سراسری شماره ۶۳ به نقد نظرات ما اختصاص داد، در حدودی به صراحت نظر خود را درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت اعلام کرد.

حالیست که ما اینست، چه معیارها و موازین تعیین ماهیت طبقاتی دولت و قدرت واقعی ملاک قرار میدهند. لنین هنگامیکه به ارزیابی ماهیت طبقاتی حکومت پس از انقلاب فوریه می پردازد چنین می نویسد: ... این حکومت در حالیکه نیات خود را در پیس جملات انقلابی پنهان می دارد، مواد را با سلطه کهن را به مقام های حساس می گمارد. این حکومت می گوشت تا تمام دستگاهها شین و ولنی زارتش، پلیس و دستگاه اداری، را حتی المقدور با اصلاحات کمتری به بورژوازی تسلیم نماید. حکومت جدید هم اکنون دست بگاری این شده است که به وسیله ای شده از اقدام انقلابی به عملیات توده ای و تصرف

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

آنهاست. اما واقعیت این است که مشعین مفهوم قدرت واقعی را درک نکرده اند، برخلاف آنچه از گفتار این رفقا استنباط می شود، قدرت واقعی به تعداد پستهای دولتی مربوط نیست اینکه خورده بورژوازی قدرت واقعی را در دولت بدست دارد بهیچوجه معنی آن نیست که اغلب پستها را نمایندگان خورده بورژوازی اشغال کرده اند یعنی آیت الله خمینی میتواند با یک دستخط چند سطر بپایان دهد که توده های خود نخست وزیر یا رئیس جمهور را از پست خود برکنار بیاورد. باید بروشنی درک کنیم که قدرت واقعی به راستی در دست همین روحانیست.

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

کمیته مرکزی "که تاکنون در سطح جنبش باین صراحت درباره ماهیت طبقاتی حاکمیت سیاسی اعلام نظر نکرده بود همیشه در پوشش یک سلسله توجیهات سعی در گریز از اعلام

سیاستهای اعمال شده در این دوران، آنها را حاکمیتهای بورژوازی جزیر دیگری بوده است؟ آیا ارکان سازش از همان آثار شکل گیری خود محرور میسای بورژوازی و موفقی در عرصه اقتصاد و امور سیاسی، که در فشار توده ها صورت گرفته جز وعده و وعید و "بوشاندن سیاست واقعی خود در پیش حملات انقلابی" چه کرده است؟ اینکه حاکمیت کونی از همان هنگام که سازش شکل گرفت تلاش نمود، که دستگاه ماشین دولتی را حتی المقدور با اصلاحات کمتری تحویل بگیرد و هنگامیکه توده ها با قیام خود انگیزه خود ضرباتی به ماشین دولتی بورژوازی وارد آوردند، "ارگان سازش" با شتاب باز سازی، ارتش پلیس و دستگاه اداری را آغاز کرد و محرور میسای محدود و ناچیز تغییر اساسی در آنها صورت نگرفت. آیا این همه به تعمیم پور تو نیست تانمی تواند ملاکی در تعیین ماهیت طبقاتی حاکمیت باشد؟ آیا هنگامیکه شما در پاسخ تحلیل ما "پیرامون ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت" که در آن نوشته بودیم "در آن حاکمیت که لرزش و لرزش در ترکیب طبقاتی از نیروهای وابسته به قشر فوقانی خرد بورژوازی سنی و نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتا "بورژوازی متوسط) تشکیل شد، سیاستهای حسابی و مراکز مهم دستگاه دولتی عملا بدست بورژوازی افتاد، می نویسد: "تدرت دولتی به تعداد پستهای دولتی مربوط نیست. اینکه خرد بورژوازی قدرت واقعی را در دولت به دست دارد، به پیچیدگی معمای آن نیست که اغلب پستها را نمایندگان خرد بورژوازی اشغال کرده اند. "براستی فقر تئوریک خود را نشان نمی دهد؟ شما یا اسما! در کی از مفهوم دولت و در ماشین دولتی از نقش ارتش و بوروکراسی و رابطه آن با قدرت واقعی و اعمال سیاستها، ندارید و یا اینکه آگاهانه به تحریف حقایق و فریب توده ها متوسل شده اید یا اعتبار گفته شما یک طبقه میتواند قدرت واقعی را در دست داشته باشد، و سیاستهای خود را پیش برد، اما پستهای حساس و مراکز مهم دستگاه دولتی، ارتش، بوروکراسی و بطور کلی ارگانهای مادی سرکوب در دست آن طبقه ای باشد که قدرت صورتی است این است نمونه کاملی از تحریف لیبرالی مارکسیسم. و ما دیدیم که لنین نه تنها در نقل قولی که بیش از این ذکر کردیم "بر مقام های حساس" دستگاه دولتی (ارتش، پلیس، و دستگاه اداری) "عمده ترین مقامات وزارت که دارای اهمیت قطعی است در حکومت جدید (وزارت کشور، وزارت جنگ یعنی فرماندهی بر ارتش، و پلیس، و دستگاه اداری و کلیه دستگاه استعماری بر توده ها" تاکید دارد، بلکه در نوشته های متعدد خود پیرامون تعیین ماهیت طبقاتی دولت، این معیار را در نظر داشته و به آن اشاره می کند، منجمله در "نامه هائی از دور" می نویسد:

"بین دولت و حکومت یک عینی کتاب نیست و ما و تجدید طلبان

مسئمت جو، این دستیاران در یوزی استولین میر غصب، پستهای واقعا "مهم پستهای ستاس ناکیدار لنین پستهای موزارتش و دستگیر آوری، راد در دست دارند. این دولت که میلیوکف و گادیه های دیگر بیشتر برای زینت، برای عنوان و به منظور ایراد نطق های ملیست، پرسور ما بانسه در آن وارد شده اند و کرسکی ترود و یک هم برای فریب کارگران و دهقانان نقش گیتار را در آن بازی می کند. این دولت یک اجتماع تصادفی از افراد نیست."

(نامه هائی از دور)

اما این آقایان بوضوح نشان میدهند که بارد یک چنین معیار با معیارهای مشخص تعیین ماهیت طبقاتی دولت بیگانه اند. آنها را می پرسند: "آیا هم اکنون واقعا "فلاحی ها، علوی ها، باقری های ارتش فرمانروایی می کنند یا این عناصر فعلا" به هر حال مجبورند از آیت الله خمینی و محافل پیرو او تبعیت کنند؟" سپس این حکم بسیار بدیع و پنهان میزان ذهنی را میدهد که "اگر تمام امور واقعا" در دست آنها بود، لحظه ای هم از بازگردانیدن پدرتا جدارشان، شاپور بختیارشان و از این قماش غافل نمی ماندند. "حساب بر سیدی است که پس در اینجا توده ها چکاره اند؟ میلیونها مردمی که فریاد زدند "مرگ شاه" چه نقشی در این میان خواهند داشت. شما که خود را قهرمان "بازگشت به اصول" (بخوان بی برسی) میدانید، شما که خود را در "ارتباط با توده" میدانید در این مورد نسبت به مردم چگونه فکر میکنید؟ آیا این مسئله دقیقا" بی اعتقادی شما را به "توده" نشان نمیدهد؟ آیا این اعتقاد که عدم برسر گرداندن "پدرتا جدار" ارتش تنها در اثر نفوذ و قدرت بخشی از هیئت حاکمه است باین معنایست که مردم در این میان هیچ کاره هستند؟ دقیقا" شما بر همین اعتقاد هستید. شما چشم به بالا دوخته اید و به توده ها اعتقادی ندارید. همانطور که مبارزه ضعیف امیرالیستی را اسما! در بالا می بینید، همانطور هم عدم برگشت شاره را نه در تنفر توده ها نسبت به شاه و بختیار، نه در مبارزه آنها علیه شاه، بلکه تنها در نفوذ و قدرت "آیت الله خمینی و محافل پیرویی" میدانید. شما حتی از خود این محافل هم نسبت به مردم بیگانه تر هستید و این جزایر اعتقادی شما نسبت به توده ها ناشی نمیشود در حالیکه بنظر منظر ما این مبارزه، توده ها علیه شاه و همچنین تضاد بین حاکمیت سیاسی کونی با قدرت گیری طرفداران شاه و خود اوست. و تازه با این اعتقاد که "بهر حال" سیاست حاکم بر ارتش بوسیله "خرد بورژوازی" دیکته میشود، باین اعتقاد که "فعلا" بهر حال "عناصر ارتشی مجبورند از سیاست خرد بورژوازی

تبعیت کنند و اولاً" ماهیت ارتش را در عناصر آن می بینید و ثانیاً "آب تطهیر بر سر سر ارتش ضد خلقی می ریزید. چرا که این حکم بغایت غلط را ترویج می کنید که اگر چه عناصر ارتش ضد خلق هستند ولی این عناصر تبعیت میکنند از سیاست خرد بورژوازی هستند. و بنا بر این به نظر شما حرکت این ارتش "بهر حال" و "اجباراً" تبعیت از سیاستهای خرد بورژوازیست. در حالیکه بنظر ما ماهیت عملکرد این ارتش را سیاستهای حاکم بر آن تعیین می کنند ما برای تعیین این سیاستها بدین مسئله توجه می کنیم که ارتش علیه چه طبقه و طبقه کدام طبقه عمل می کند آیا کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهر و روستا سرکوب می کند یا سرمایه داران و زمینداران را؟ آنچه واقعات انگار ناپذیر نشان میدهد، ارتش همیشه سرکوب کارگران و زحمتکشان سینه مان پرداختند. سرمایه داران و زمینداران بوده است. از سوی دیگر شوه استدل شما در اینباره بمنتهای درجه عامیانه و عوام فریبانه است؟ شما که نقش ارتش و بوروکراسی را به عنوان مهمترین مختصات دولت بورژوازی درک نکردید، سؤال می کنید که "اگر تمام امور واقعا" در دست آنها بود، از بازگرداندن پدرتا جدارشان، شاپور بختیارشان و از این قماش غافل نمی ماندند. آیا با توجه به نفرت عمیق توده ها از رژیم شاه باز هم سیاست امیرالیسم و بورژوازی وابسته بازگرداندن شاه است، و یا اینکه بورژوازی نمایندگان دیگری نیز دارد، که همان اندازه میتوانند منافع امیرالیسم و بورژوازی را تامین کنند؟ ثانیاً "می پرسید که اگر سران مزدور ارتش قدرتی دارند، پس چرا در بر گرداندن شاه و بختیار درنگ می کنند؟ شما توجه نمی کنید که اگر آنها قصد کودتاهم بنفع آنها داشته باشند، این کودتایی تواند، در تحت هر شرایطی بدون زمینه سازی لازم، و در نظر گرفتن شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، وضعیت توده ها، موقعیت طبقه حاکم صورت پذیرد.

و باز ما سؤال می کنیم که آیا این حکومت انقلابی شما از همان فردای سازش تلاش نکرد که بهر وسیله ممکن جلوی انقلاسی توده ها را بگیرد و از تصرف قدرت از پائین یعنی به توسط توده ها که بقول لنین "یکانه تضمین موفقیت های واقعی انقلاب است جلوگیری نماید؟" مگر همین حکومت در جهت تلاشی شوره ها، در جهت خلع سلاح مردم، سرکوب کارگران، سرکوب دهقانان که به شیوه انقلابی به مصادره اموال زمینداران بزرگ پرداختند سرکوب خلقهای تحت ستم و بطور کلی سرکوب توده های خرد بورژوازی... نپرداخت؟ مگر مردم را از حمله به پادگانها و دستگاه استعماری رژیم گذشته باز نداشت، و هنگامیکه توده ها در پی نابود کردن ارگانها و نهادهای رژیم گذشته بودند، بلندگوهای همین سران سازشکار خرد بورژوازی بروی

مینی بوسها مردم را در عتوت نمی کردند که خانه های خود بازگردند؟

حاکمیت جدید با تمام قسودر جهت متوقف کردن، دامنه قیام نکوشید، مکر مسایات سرمایه داری وابسته را حفظ نکرد؟ آیا تمامی این اقدامات ضد انقلابی بیانگر ماهیت بورژوازی حاکمیت نیست؟ آیا اینکه ما در کار ۱۶ نوشتیم که "این حکومت از همان روزهای نخستین بقدرت رسیدن خود، در جهت متوقف کردن دامنه قیام گام برداشت، از انهدام کامل ارگانها و نهادهای رژیم گذشته بوسیله توده های قیام کننده مانعت بعمل آورد" "خصلت های انقلابی و ترقیخواهانه ای را به خرد بورژوازی نسبت دادیم که مختص پرولتاریاست" که شما می نویسید "رفقای اقلیت برای توجیه نظرات خود خصلتهای انقلابی و ترقیخواهانه ای را به خرد بورژوازی نسبت می دهند که فقط مختص پرولتاریاست. آیا شما این شاهستید که برای توجیه نظرات خود و انبیا خرد بورژوازی بودن حاکمیت، اقدامات ضد انقلابی دولت بورژوازی را بحساب ناتوانی خرد بورژوازی می گذارید و به تحریف نظریات ما می پردازید؟ یا ما خصلتهای انقلابی و ترقیخواهانه ای را به خرد بورژوازی نسبت دادیم که مختص پرولتاریاست؟ ما گفتیم که حاکمیت جدید نگذاشت توده های قیام کننده، ارگانها و نهادهای رژیم گذشته را هم بکوبند، در اینجا صحبت از توده های قیام کننده است، توده هایی که بطور غیر عینی در روزهای قیام دینی ناسودی ارگانهای استعماری گذشته بودند، بهر نهادی که متعلق به رژیم گذشته بودند یا نفرت می نگریستند، و در جهت نابودی آن گام برمی داشتند. در مرزها، در محلات و عقبه شوره های کارگری و دهقانی، شوره های توده ای تشکیل دادند، ارگانهای اقتدار توده ای پدید آوردند مسلحانه از دست آورده های خود پاسداری کردند و قدرت خود را اعمال نمودند. آری، توده ها می خواستند ارتش و ارگانهای سرکوب رژیم را هم بکوبند و ارگانهای اقتدار توده ای را بنهاند، اما حاکمیت جدید بویژه سران سازشکار خرد بورژوازی در برابر حرکات و ابتکارات انقلابی توده ها ایستادند، سران خرد بورژوازی با سازش خود نه تنها مانع عمومی توده ها بلکه به منافع خود نیز پیوسته اند. حال شما از ما سؤال می کنید که آیا خرد بورژوازی می تواند تمام دستگاه دولتی را خرد کند؟ گویا این لحنی سؤال می کنید که توده ها می توانند تمام دستگاه دولتی بورژوازی را خرد نمایند، شما نه تنها برای اثبات این ادعای خود هیچ دلیلی نمی آورید، بلکه در نقل قولی هم که از ما آورده اید، پیش داوریهای خود را جای نظرات

ما قرار داده و بجای کلمه "توده ها" دزدین خود خرد بورژوازی را قرار داده اید. یک چنین تحریفی چه مقصودی جز واژه جملوه دادن ماهیت حاکمیت کونی میتواند در سر داشته باشد. خلاصه بحث بر سر این حقیقت مسلم نیست که خرد بورژوازی نمی تواند تمام دستگاه دولتی را خرد کند، بلکه بحث ما بر سر توده ها بود و نه خرد بورژوازی، ما با طرح اقدامات ضد انقلابی "ارگان سازش" ماهیت آنرا نشان دادیم و گفتیم حاکمیتی که از برای قیام آغاز به ساز سازی مناسبات اجتماعی موجود کرد، حاکمیتی که هیچگونه تلاشی در جهت از میان بردن مناسبات وابسته نگردد، از سرمایه داران و زمینداران در برابر کارگران و دهقانان دفاع نمود، در جهت درهم کوبیدن دستاوردهای انقلابی توده ها گام برداشت، همانا حاکمیتی بورژوازیست، طبیعی است که ما از این حاکمیت توقعی هم نداریم که مناسبات وابسته را در هم بکوبد و سرمایه داران زمینداران را در دفاع نکند. منظور نشان دادن سیاست های عملی و ما هیئت طبقاتی این حاکمیت است که هنوز برای عده ای نا شناخته باقی مانده است اما شما تحت عنوان ناتوانی و عقب ماندگی خرد بورژوازی، آب تطهیر بر سر حاکمیت بورژوازی میریزید و با احکام بی پایه، قدرت واقعی را در دست خرد بورژوازی میدانید. این چگونه خرد بورژوازی است که از مناسبات وابسته دفاع میکند، محدودیت بر مالکیت سرمایه داران را می کند، محدودیت بر مالکیت بیابید؟ بنظر ما نه بر عکس همیشه از مشروغ بودن مالکیت صحبت شده است و واژه "شروع" نیز در اسلام کاملاً شناخته شده است. به همین دلیل است که بران جمهوری اسلامی اعلام میکنند سرمایه دارانی که به جمهوری اسلامی معتقد باشند از تعرض مومنانه و تازه این سوال مطرح میشود که اگر حاکمیت سیاسی ایران ملی و انقلابی است و بر عزم شما وابستگان و لیبرال ها دارند که بروی هم شمشیر میکشند، چرا این حاکمیت سیاسی در این مبارزه طبقاتی همواره خرد بورژواها را مورد حمله قرار میدهد، چرا دهقانان با زبون چیه آنها بمباران میکند، چرا کسبه و اصناف نقده، مریوان و... را مورد تعرض قرار میدهد، چرا دهقانان ترکمن صحرا چه دشمنی دارد، با تا کسیرانان، چه خصوصی دارند، چرا کسبه جز راه جرم گرانفروشی شلاق میزند و در همان حال به

آیا نقدیست مالکیت بورژوازی در شرایطی که مناسبات حاکم سرمایه داری وابسته است چه معنایی جزنا شید مالکیت بورژوازی وابسته میتواند داشته باشد؟ بنظر ما یک وضعیت عینی مشخص خرد بورژوازی را به مناسبات امیرالیسم میکشاند. واقعیت عینی، تقابل مشخص موقعیت خرد بورژوازی در تولید و مبادله با موقعیت بورژوازی وابسته بمشابه با یگانا امیرالیسم میباشد. بنا بر این نمایندگان خرد بورژوازی اگر بخواهند بیانگر منافع خرد بورژوازی باشند باید علیه سرمایه داری وابسته مبارزه کرده و آنگاه که قدرت را در دست می گیرند در حرف بلکه در عمل به محدود کردن مالکیت "طبق منافع خرد بورژوازی اقدام کنند ما از خرد بورژوازی نمی خواهیم که مالکیت را نقی کند بلکه محدود کردن مالکیت آن معیار عینی است که صفحده بورژوازی را از بورژوازی جدا میکند و بنا بر این اینکه حزب جمهوری اسلامی، عوام فریبانه خود را ضد امیرالیست میدانند برای ما کافی نیست، بلکه این مساله مطرح است که آیا مبارزه ضد امیرالیستی بدون مبارزه علیه بورژوازی وابسته امکان پذیر میباشد؟ یا شما چه در اسناد رسمی حاکمیت سیاسی و چه در سیاست عملی اینها میتواند سیاستی در جهت محدود کردن مالکیت بیابید؟ بنظر ما نه بر عکس همیشه از مشروغ بودن مالکیت صحبت شده است و واژه "شروع" نیز در اسلام کاملاً شناخته شده است. به همین دلیل است که بران جمهوری اسلامی اعلام میکنند سرمایه دارانی که به جمهوری اسلامی معتقد باشند از تعرض مومنانه و تازه این سوال مطرح میشود که اگر حاکمیت سیاسی ایران ملی و انقلابی است و بر عزم شما وابستگان و لیبرال ها دارند که بروی هم شمشیر میکشند، چرا این حاکمیت سیاسی در این مبارزه طبقاتی همواره خرد بورژواها را مورد حمله قرار میدهد، چرا دهقانان با زبون چیه آنها بمباران میکند، چرا کسبه و اصناف نقده، مریوان و... را مورد تعرض قرار میدهد، چرا دهقانان ترکمن صحرا چه دشمنی دارد، با تا کسیرانان، چه خصوصی دارند، چرا کسبه جز راه جرم گرانفروشی شلاق میزند و در همان حال به



بسران حزب جمهوری اسلامی نه در ماهیت سیاستهای اعمال شده بلکه بر سر چگونگی اعمال سیاستها بود. آیا حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزب حاکم و سران این حزب در شورای انقلاب عملاً چه کردند؟ آیا آنها هیچ گهام عملی در جهت محدود کردن مالکیت بنفع خرده بورژوازی وابستگی، در جهت حمایت از توده های خرده بورژوا بر داشته اند؟ آیا وقتیکه برنامه های رضا صفهانی در مورد رفرم ارضی، مورد تأیید قرار نمیگرفت و او در مصاحبه خود در روزنامه انقلاب اسلامی، دلایل این امر را بیان می کند، این کدام طبقه حاکم است که مانع اجرای این برنامه میشود، و آنچه را که شورای انقلاب تصویب می کند چیزی جز یک رفرم بورژوازی نیست. آیا سیاستهای که سران حزب جمهوری اسلامی در راس وزارتخانه ها، و مراکز حساس دولتی پیش برده اند، چیسری سواي، سیاستهای دولت بازرگان بوده است؟ سیاست رفسنجانی و کبی در راس وزارت کشور و سیاست بهشتی در وزارت دادگستری کدام تفاوت ماهوی را با سیاست وزرای دولت بازرگان داشته است. آیا حزب جمهوری اسلامی، از سر کوب خلفها، از سر کوب توده های خرده بورژوازی، دفاع نکرده است؟ آیا ارتجاعی ترین فئودالها و زمینداران مورد تأیید و حمایت این حزب قرار گرفتند؟ آیا حزب جمهوری اسلامی سازماندهی گروههای فالانژ و باند های سیاه نبوده است؟ آیا بیشترین حمله را به سازمانهای انقلابی و مترقی نکرده است؟ آیا بیشترین حمله و فشار را به سازمانهای خرده بورژوازی وارد نیاورده است؟ آیا در کنار دیگر سازمانهای بورژوازی سر کوب کارگران را تأیید کرده است و آیا آنچه که حزب جمهوری اسلامی بدان عمل کرده است خود بیانگر ماهیت طبقاتی بورژوازی این حزب نیست؟ خلاصه آنچه که حزب جمهوری اسلامی بدان عمل کرده است نه سیاستی ماهیتاً متفاوت از بورژوازی بلکه سیاستی بورژوازی اما با شیوه های دیگر ایمان ندارد، حزبی که از جنبش هراس دارد، حزبی که سیاستهای آن سر کوب توده های خرده بورژوازی خلیفه ها و هفانگان در دستور قرار می دهد، حزبی که از آزادیهای سیاسی و حقوقی دمکراتیک توده ها اعتقادی ندارد، حزبی که سیاستهای عملی آن در خدمت سیستم سرمایه داری وابسته بوده است حزبی خرده بورژوازی با بورژوازیست تمام شواهد نشان می دهد که حزب جمهوری اسلامی، حزب بورژوازیست و تضاد آن با "لیبرالها" از نوع تضادهای درون طبقاتیست. حال باید فضاوت کرد که آیا ما پیش داور بیای خود را بجای واقعات موجود گذاشته ایم یا شمایه توجیه تسلیم طلبی خود پرداخته ایم.

تاریخ واقعی انزب را بررسی نمود، این بررسی نباید آنقدرها پیرامون آن چیزی باشد که خود انزب در بار میخورد می گویند بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این انزب بدان عمل می نمایند و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل می کنند و در اموریکه پای منافع طبقاتی مختلف جامعه یعنی ملاکین، سرمایه داران، دهقانان، کارگران و غیره و میان می آید چگونه رفتار می نمایند. "انزب سیاسی در روسیه" پس از قیام دوارگان اصلی که قدرت دولتی را در دست داشته و سیاستهای عملی را اجرا کرده اند، "دولت بازرگان" و شورای انقلاب بودند. هژمونی را در شورای انقلاب سران حزب جمهوری اسلامی در دست داشتند و در حقیقت حزب جمهوری اسلامی حزب حاکم بوده است. پس از قیام ما شاهد

دفاع می کند. حزبی که میلیونها یار و تجار شروتمند از آغاز تاسیس این حزب از آن و سیاستهایش دفاع کرده و بیشترین حمایت را از آن بعمل آورده اند. کلر یکالیم بویزه در مرحله گندیگی و زوال سرمایه داری بصورت پدیده عمومی در آمده است و بسته بشراط تاریخی مشخص و موقعیت و سنتهای توده های زحمتکش در یک کشور سرمایه داری بدرجات متفاوتی بروز می کند. چنانچه امروز حتی "لیبرالها" با توجه به بحران حاد موجود و با توجه به نقش ناهجودی از شرکت روحانیت در سیاست و استفاده از مذهب در دفاع می کند، ولی زیاده رویهای حزب جمهوری اسلامی را در این مورد نمی پذیرد. اما اینکه بورژوازی میتواند به باکتیکهای متفاوت متوسل شود یا چنانچه این حزب حاکم متفاوتی را برای حفظ سلطه

دو فرآکسیون دارای ایدئولوژی های متفاوت اند. اینکه دین و سیاست در جامعه بورژوازی باید یکدیگر پیوند دارند. کوچکترین تردیدی در آن نیست. صحت بر سر این مسئله است که جناحی در پی عریان کردن این پیوند و جناحی دیگر مخالف این عریان کردن است. بهتر است که متعین نظرات ما اگر فرصت مطالعه پدیده های شکام کلر یکالیم را ندارند، لافل به چند نوشته لنین که به بحث پیرامون این مسئله پرداخته است رجوع کنید. لنین هنگامیکه به مسئله تضاد میان "لیبرالها" و "کلریکالها" و درگیری آنها می پردازد، با این نتیجه می رسد که "بورژوازی لیبرال" و "بورژوازی کلریکال" در ایدئولوژی باید یکدیگر اختلاف دارند. او با آوردن نقل قولی از تروتسکی لیبرال مینی بر اینکه "تغییر شکل کلیتاً یک وسیله سیاسی بقیمت تاهای درونی آن تمام می شود"، می نویسد:

مبارزه جریان خواهد داشت. آنقدر خالیکه تضاد را می بینند، آنرا بر طبق منافع عملی شان بنضاد دو طبقه ارزیابی می کنند و چون همیشه چشم به بالا دارند، سعی در "خوب" جلوه دادن بخشی از "بالا" دارند. آنها به آنکارترین وجهی نشان می دهند که نه تنها تضاد این دو فرآکسیون بورژوازی را درک نکرده اند بلکه منظور از غشاش مگری، حزب ارتجاعی خلق مسلمان را وارد جناح "لیبرالها" کرده اند. در حالیکه این حزب اگر چه نزدیکی با ماصطلاح "لیبرالها" دارد ولی جهت گیری کلی آن در جهت بورژوازی بزرگ (بخش خصوصی) می باشد.

ناتیا شما در مورد دو فرآکسیون بورژوازی یعنی حزب جمهوری اسلامی و "لیبرالها" حرف خودتان را بمانست داده اید که گویا گفته ایم این دو جناح هم در ایدئولوژی، هم در برنامه... اختلاف دارند. شما در این بخش نیز آشکارا به تحریف نظرات ما پرداخته اید و می نویسید "از نظر این رفقا دو جناح بورژوازی متوسط در عملکرد، تاکتیکها و پیشبرد سیاستها با یکدیگر اختلاف دارند، اما این اختلاف که بزعم خودشان هم در عرصه ایدئولوژی هم در برنامه، و هم در تاکتیک بروز کرده است مثلاً مذهبی دارد." حال بیاییم ما چیه نوشتیم؟ اگر چه ماهیت سیاستهای هر دو فرآکسیون یکی است. هر دو رسالت خود را در راس بازسازی و تقویت مناسبات موجود قرار داده اند و این امر در سیاستهای عملی و برنامه های شورای انقلاب با هم می خورد. دولت بازرگان و سپس سیاستهای بنی صدر بوضوح به نمایش گذاشته شده است. اما این دو در نحوه عملکرد آنها، پیشبرد سیاستها، تاکتیکها و یافتن نقش بی رقیب در حاکمیت در اینجا صحبت از این نیست که این دو جناح "هم در عرصه ایدئولوژی، هم در برنامه، هم در اختلاف دارند، بلکه آنچه ما بر آن تاکید کرده ایم اینست که سیاستهای آنها ماهیتاً یکی است و دارای ایدئولوژی اساساً با حدتاً مادر چگونگی نحوه عملکرد پیشبرد سیاست، و نیز در اتخاذ ویکارگیری تاکتیکها با یکدیگر اختلاف دارند. از آنجائیکه نویسندگان نقد حتی درک درستی از معنای ایدئولوژی ندارند و با معانی عملی شان ارجح می کنند که چنین وانمود کنند. از آنجائیکه گفته ایم سران حزب جمهوری اسلامی خواستار پیوند آشکار دین و سیاست هستند و رویتای ایدئولوژیک سیاسی مذهبی را یگانه رویتای آرمائی خود در جامعه سرمایه داری وابسته میدانند، در حالیکه "لیبرالها" با عیان شدن پیوند دین و سیاست و سلطه مذهب و روحانیت بر مشون مختلف زندگی اجتماعی مخالفند، و آنرا به لحاظ نقشی که مذهب باید در جامعه سرمایه داری در خدمت سیستم و طبقه حاکم ایفا کند، نامعقول می دانند، چنین نتیجه گیری کرده اند که ایسین بدین ویا آن شکل، این

شما تحت عنوان ناتوانی و عقب ماندگی خرده بورژوازی آب تظہیر بر سر حاکمیت بورژوازی میریزید و با احکام بی پایه قدرت واقعی را در دست بورژوازی میدانید، پس این چگونه خرده بورژوازی است که مناسبات وابسته را حفظ می کند، محدودیتی بر مالکیت سرمایه داران و زمینداران قرار نمی دهد، توده ها را بشیوه های قهرآمیز سر کوب می کند، با زهم همچنان خرده بورژوازی انقلابی و فدا میریالیست است؟

بودیم که علیرغم تضادهایی که میان این دو موجود است سیاستهای آنها از مضمون واحد و راستای مشخصی برخوردار بوده است. این هر دو از همان فردای قیام، با سازمانی مناسبات اجتماعی را آغاز کردند، ارگانها و نهاد های صریح خود را ترمیم کردند، نهاد دولت بازرگان نبود، که در جهت ترمیم مناسبات وابسته گام بر میداشتند، سیاستهای بازرگان مورد تأیید شورای انقلاب قرار می گرفت کمتر موردی از برنامه ها و سیاست هائی که دولت بازرگان پیش برد، بدون امضا و تأیید شورای انقلاب صورت گرفت سیاستهای بورژوازی دولت بازرگان در شورای انقلاب مورد تصویب قرار می گرفت و بمرحله عمل در می آمد. سران حزب جمهوری اسلامی نظیر، بهشتی، همراهِ با بازرگان

اجتماعی و سیاسی خود و حکومت بر توده های مردم و بار هائی از بحران برگزینند، آنقدر بدیهست که مانع می کنیم که چگونه شما بخود جسرات داده اید آنرا نمی کنید و از ما سؤال کنید که چگونه می بیند جناح بورژوازی میتواند اختلاف در تاکتیک وجود داشته باشد و با اینکه چون این دو جناح تاکتیک متفاوت را بکار می گیرند پس تاکتیکهای آنها تاکتیکهای دو طبقه است، باید بشما موخت که نه تنها جناحهای بورژوازی بلکه یک جناح از آن نیز با توجه به وضعیت اقتصادی اجتماعی و سیاسی جامعه، با توجه به موقعیت توده ها و وظیفه حاکم تاکتیکهای متفاوتی را بکار می گیرند. از آنجائیکه این به اصطلاح استغناء نقد کوکودکانه است که حتی کسی که تازه الفبای مارکسیسم را آموخته باشد به آسانی به پی پایه بودن آن پی می برد، ما به بحث مفصل در این باره نمی پردازیم. آیا با تمام این اوصاف باز هم "کمیته مرکزی" می خواهد تضاد "لیبرالها" و حزب جمهوری اسلامی را از دو پایگاه طبقاتی ارزیابی کند برای روشن تر شدن مسئله بهتر است به سیاستهای عملی، براتیک روز مره این حزب بپردازیم تا کاملاً روشن شود که سیاستهای حزب جمهوری اسلامی در خدمت منافع کدام طبقه بوده است. لنین می نویسد "برای اینکه بتوانیم ماهیت مبارزه حزبی پی بردن باید گفتار را باور داشت بلکه باید

این درست نیست، این یک عوارضی است، این نظرگاه کاملاً ارتجاعی است، تروتسکی و دیگر لیبرالها موضع غیر دموکراتیک در مبارزه خود علیه کلر یکالیم تضاد می کنند. تحت پوشش مخالفت با رو انیت همیشه شکل پوشیده در سیاست دخال کرده است، اگر روحانیت بشکل آشکار در سیاست شرکت کند، مردم بسیار چیزهای آموخته و بیفهم آنهاست." (لیبرالها و کلر یکالها - کلیات جلد ۱۸ صفحه ۲۲۸) لنین به سه بار اختلاف لیبرالها و کلر یکالها را نشان می دهد، بلکه از حدت تضادهای آنها نیز سخن می گوید و می نویسد:

"از این پس سوسیال دموکراسی روسیه باید مکرراً ناظر و شرکت کننده در بر ضرورت و کشمکش بورژوازی کلر یکال و بورژوازی غیر کلر یکال باشد (کلیات جلد ۱۵ - صفحه ۴۱۸) اینچنین است که میان فرآکسیونهای مختلف بورژوازی بویزه - سن طیف "لیبرالها" از یکسو حزب جمهوری اسلامی "بدون آنکه دارای ایدئولوژیهای اساساً متفاوتی باشند، تضاد درگیری، درون طبقاتی بروز می کند و در حالی که "لیبرالها" از پیوسته تر مذهب و سیاست، دفاع می کنند، حزب جمهوری اسلامی از عیان شدن این پیوسته

شما هم مثل فرمیست های آرژانتین معتقدید که خاتم پرون نماینده بورژوازی ملی است. همین بغل گویی خودمان، در ترکیه، تضاد بین حزب جنبش ملی و حزب جمهوری خلق برهبری بلنذا حوت بر سر چیست که هر روز علیه هم توطئه میکنند، دفاتر عم را منفجر میکنند و... (ممکن است شما هم مثل فرمیست های ترکیه معتقدید که بلنذا حوت نماینده بورژوازی ملی میباشد) اینهمه جنسک جناحهای مختلف طبقات دارند. بی علیه یکدیگر که در بسیاری از آنها طبقات ستمکش هم در این با آن جناح و یا در هر دو جناح بناحق قرار میگیرند برای چیست؟ آیا هم این جنگ ها، کودتا ها و توطئه ها بعلت ماهیت متضاد و طبقاتی طرفین درگیر جنگ است؟ نه، چون اگر شکل حل تضاد بین پرولتا ربا و بورژوازی در کشورهای سرمایه داری کلاسیک و خلق با امپریالیسم و پایگاه اجتماعی آن در کشورهای تحت سلطه فخر میزخواهد بود شکل مبارزه بین جناح های مختلف بورژوازی و جناح های مختلف ضد خلق همیشه و الزماً مساومت آمیز نبوده بلکه بستگی به شرایط و اوضاع و احوال، بدین ویا آن شکل، این

شما تحت عنوان ناتوانی و عقب ماندگی خرده بورژوازی آب تظہیر بر سر حاکمیت بورژوازی میریزید و با احکام بی پایه قدرت واقعی را در دست بورژوازی میدانید، پس این چگونه خرده بورژوازی است که مناسبات وابسته را حفظ می کند، محدودیتی بر مالکیت سرمایه داران و زمینداران قرار نمی دهد، توده ها را بشیوه های قهرآمیز سر کوب می کند، با زهم همچنان خرده بورژوازی انقلابی و فدا میریالیست است؟

